

شأن طلبہ

9

مجاہد و عفاف

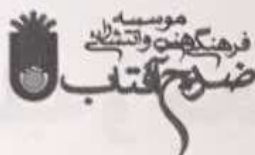
دنیا پورمند



شأن طلبه و حجاب و عفاف

دنیا پورمند

سرشناسه	۲ پورمند، دنیا ۱۳۶۲ -
عنوان و نام پدیدآور	۱ شان طلبه و حجاب و عفاف / نویسنده : دنیا پورمند
مشخصات نشر	۱ مشهد: مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب
مشخصات ظاهری	۱ ۹۶ ص
شابک	۱ ۸-۸۳۱-۴۲۹-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	۲ فیبا
موضوع	۱ طلاب - راه و رسم زندگی
موضوع	۱ حجاب - حوزه های علمیه
یادداشت	۲ کتابنامه: ص ۶۹
رده بندی کنگره	۱ ۱۳۹۵ ش ۲ پ / BP۷
رده بندی دیویی	۱ ۲۹۷/۰۷
شماره کتابشناسی ملی	۱ ۳۵۲۶۷۱۶



نام کتاب شان طلبه و حجاب و عفاف
نویسنده دنیا پورمند
ناشر مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب
صفحه آرای و طرح جلد فاطمه مجرد
توبت چاپ اول ۱۳۹۵
قطع رقیعی
شمارگان ۱۰۰۰
قیمت ۶۰۰۰ تومان
چاپ دقت
شابک ۸-۸۳۱-۴۲۹-۹۶۴-۹۷۸

مرکز پخش : ۱- مشهد، خیابان امام خمینی، جنب اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی
 بازارگانی: ۰۵۱)۳۲۲۸۱۴۱۰) سفارشات: ۰۵۱)۳۲۲۸۳۴۲۲) دفتر نشر: ۰۵۱)۳۲۲۸۰۱۶۷)
 ۲- مشهد، خیابان امام خمینی (ره)، امام خمینی ۴۸، پلاک ۸۶۶
 پژوهشکده مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها تلفن: ۳۸۵۳۵۸۴۸ - ۳۸۵۳۵۲۵۱
 آدرس سایت: www.eslamshenasi.ir

فهرست مطالب

مقدمه..... ۱

بخش اول: مفهوم شناسی

فصل اول: شئون طلبگی..... ۳

رعایت وقار و طمانینه..... ۵

پرهیز از مواضع تهمت..... ۸

رعایت مباحات رفتاری..... ۱۰

پرهیز از رفتارهای متکبرانه..... ۱۱

رعایت رفتارهای لازم طلبه..... ۱۲

پرهیز از گرفتن دستمزد..... ۱۴

فصل دوم: حجاب و عفاف..... ۱۶

چیستی حجاب..... ۱۶

حجاب در قرآن..... ۱۷

انواع حجاب قرآنی..... ۲۲

حجاب در روایات..... ۲۴

چیستی عفاف..... ۲۶

انواع و ارکان عفاف..... ۲۹

رابطه‌ی بین حجاب و عفاف..... ۳۳

بخش دوم: وظایف طلاب و حوزه‌های علمیه در رابطه با حجاب و عفاف

فصل اول: وظایف فردی طلبه در رابطه با حجاب و عفاف..... ۳۵

طلبه و خود شناسی..... ۳۵

طلبه و خود سازی..... ۳۷

طلبه و حجاب کامل و آتم..... ۳۹

۴۲.....	طلبه و آموزش حجاب در خانواده.....
۴۳.....	فصل دوم: وظایف اجتماعی طلبة در رابطه با حجاب و عفاف.....
۴۴.....	طلبه ، حجاب و تقویت ایمان.....
۴۵.....	طلبه ، حجاب و حضور در جامعه.....
۴۷.....	طلبه ، حجاب و صله ی رحم.....
۴۹.....	طلبه، حجاب و امر به معروف و نهی از منکر.....
۵۱.....	طلبه، حجاب و آراستگی.....
۵۳.....	فصل سوم: وظایف حوزه های علمیه در رابطه با حجاب و عفاف.....
۵۳.....	حوزه ی علمیه، نگرهبانی و حراست از حجاب اسلامی.....
۵۴.....	حوزه ی علمیه و تبلیغ دین.....
۵۴.....	حوزه ی علمیه و ارائه الگوهای مناسب دینی.....
۵۷.....	حوزه ی علمیه و استفاده از دانش ارتباطات و تبلیغات.....
۵۷.....	حوزه ی علمیه و فعال کردن مساجد.....
۵۸.....	حوزه ی علمیه و دفاع از حریم دین و مقابله با انحرافات.....
۵۹.....	حوزه ی علمیه و فراهم نمودن جامعه پذیری صحیح.....
۶۰.....	حوزه ی علمیه و فراهم آوردن زمینه برای اجرای احکام حجاب.....
۶۱.....	حوزه ی علمیه و ترویج اخلاق حسنه.....
۶۲.....	بخش سوم: آثار و نتایج رعایت حجاب و عفاف طلاب.....
۶۳.....	فصل اول: آسیب شناسی حجاب و عفاف طلبة.....
۶۵.....	تهاجم فرهنگی.....
۶۷.....	راه های نفوذ فرهنگی دشمن و آشنایی طلبة با آن ها.....
۷۲.....	فصل دوم: آثار فردی و اجتماعی رعایت حجاب و عفاف طلبة.....
۷۲.....	آثار فردی رعایت حجاب و عفاف طلبة.....
۷۴.....	آثار اجتماعی رعایت حجاب و عفاف طلبة.....
۷۹.....	فهرست منابع و مآخذ.....

بخش اول: مفهوم شناسی

فصل اول: شئون طلبگی
فصل دوم: حجاب و عفاف



مقدمه

« طلبگی فصل اول حیات روحانی و فصل آموختن و پرورده شدن است. آموختن و پرورده شدن به غایت خدمت اجتماعی خاصی است که در فصل دوم حیات او ارائه می شود. بدین ترتیب امتداد طبیعی طلبگی است و روحانیت بدون طلبگی یعنی انجام خدمت بدون آمادگی و آموزش، و طلبگی بدون تعهد خدمت یعنی فراهم آوردن بدون بهره!»^۱

روحانیت دارای قداست است. مردم، به خاطر لباس، شأن و شغل روحانیت، حساب خاصی برای آنها باز می کنند و یک تقدسی قائلند. مردم فکر می کنند روحانیت، دائم در حال ذکر الهی و توجه به پروردگارند - که غالباً از آن غفلت می شود - امام سجاد علیه السلام در یکی از ادعیه‌ی صحیفه‌ی ثانیه‌ی سجاده از خدای متعال شش چیز می خواهد، که یکی اش این است: «و لَبَّائِ رَاجِحاً»؛ باطنم از ظاهرم بهتر باشد. حفظ این قداست با سلامت مالی، سلامت اخلاقی و حفظ زی طلبگی است.. شأن طلبگی این است که طلاب در زندگی خویش، وقار، متانت، پرهیز از رفتار سبک، رعایت حجاب و عفاف، پرهیز از اختلاط با نامحرم و ... داشته باشند.

در طول سالهای متممادی عمر روحانیت شیعه، هر جا روحانیون با منش و هویت روحانی خود ظاهر شده اند، برکاتی بر جای گذاشته اند؛ چه در میدان سیاست، چه در میدان معنویت، چه در میدانهای مربوط به رزم

۱. محمد، عالم زاده نوری، طلبه از نظر عرف، مجله پگاه حوزه، ۱۳۸۷، شماره ۵۵



و دفاع از کشور و چه در هر میدان دیگری. شأن روحانی این است که در هر جایی که حضور داشته باشد، میتواند تأثیرات بسیار گرانبهایی برجای گذارد. در رابطه با حجاب و عفاف طلبه باید گفت وظایف و مسئولیت هایی دارد از جمله خودشناسی، خودسازی، آموزش در خانواده خود، تقویت ایمان، امر به معروف و نهی از منکر و

اکثر پژوهش های انجام شده در این زمینه به بررسی بعضی از شئون طلبه، پرداخته، و نتوانسته است زوایای مورد نیاز زندگی طلبه را عنوان نمایند و جواب گوی ایشان باشند. از این رو پژوهش حاضر درصدد بررسی شأن طلبه و حجاب و عفاف به صورت همه جانبه می باشد.

کتاب پیش رو شامل سه بخش است:

دربخش اول، مفهوم شناسی مورد بررسی قرار گرفته است، که فصل اول به شئون طلبگی پرداخته و فصل دوم به خوبی حجاب و عفاف را بررسی کرده است.

بخش دوم به بررسی وظایف طلبه و حوزه های علمیه در رابطه با حجاب و عفاف پرداخته، فصل اول برخی از مهمترین وظایف فردی و فصل دوم برخی از مهمترین وظایف اجتماعی ذکر شده است.

بخش سوم با عنوان آسیب شناسی حجاب و عفاف و تهاجم فرهنگی، آسیب های فرهنگی و اخلاقی را در فصل اول مورد بررسی قرار داده و در فصل دوم برخی از آثار و نتایج رعایت حجاب طلاب را در جامعه بیان کرده است.



فصل اول:

شئون طلبگی

در نظام تقسیم کار اجتماعی و توزیع مسئولیت‌ها، هر کدام از اصناف بخشی از نیازهای اجتماعی را تأمین می‌کنند. با این وجود می‌توان طلبگی را یک صنف دانست به این معنا که وقتی تقسیم کار شده است، فعالیت‌های تربیتی، فرهنگی مربوط به حوزه‌ی دین را بر عهده گرفته‌اند.

طلبه‌ها فعالیت‌های فرهنگی تربیتی را نه به صورت مطلق، بلکه تنها فعالیت‌های فرهنگی-تربیتی حوزه‌ی دین را بر عهده دارند، لذا می‌توان طلبگی را یک صنف اجتماعی دانست^۱ که خداوند به تکمیل نیروی آن فرمان داده و مستقیماً برای تأمین کادر آن اقدام کرده است.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾^۲

شایسته نیست مؤمنان همگی (بسوی میدان جهاد) کوچ کنند چرا از هرگروهی از آنان طایفه‌ای کوچ نمی‌کند (وطایفه‌ای در مدینه بماند)، تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به هنگام بازگشت بسوی

^۱. محمد عالم زاده نوری، درآمدی بر زی طلبگی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ

اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۳۸.

^۲. توبه، آیه ۱۲۲.



قوم خود، آنها را بیم دهند؟! شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند، و خودداری کنند!

در این آیه خداوند مستقیماً به مردم می‌فرماید که گروهی مسئولیت تبلیغ معارف اسلامی را عهده‌دار باشند. لذا مشخص است که از زمان پیامبر اکرم ﷺ اصل این نیاز در جامعه‌ی اسلامی مطرح شده و پیامبر ﷺ هم کسانی را مأمور می‌کردند برای فرا گرفتن معارف قرآنی، اگر لازم است سفر کنند و این کار را انجام دهند و به تدریج این گروه‌ها تشکیل و تکمیل شد تا آنجا که امروزه حوزه‌های علمیه مسئولیت این امر را بر عهده دارند و نهاد روحانیون رسالت خود را در زمینه‌ی فرهنگی تربیتی انجام می‌دهند. رفتار و کردار هر فرد در جامعه تعیین کننده‌ی منزلت و جایگاه اجتماعی اوست، لذا بروز کردارهای مقبول و مطابق عرف جاری جامعه، منزلت و جایگاه هر فرد را تعیین میکند و رفتارهای خلاف عرف، این جایگاه را متزلزل می‌سازد؛ پس عرف جامعه، معیاری عام برای تعیین جایگاه و منزلت افراد محسوب می‌شود.

اگر عملی از فردی سرزند که خلاف شأن اوست، گفته می‌شود این عمل از فلان کس انتظار نمی‌رود. یعنی اگر او مرتکب آن عمل شود، از شأن و موقعیت و جایگاه او کوچکتر است و حقیر می‌گردد و در عقل و خرد و حکمت او تردید می‌رود، ارتکاب چنین اعمالی نشان خفت عقل و سبک سری است.^۱

۱. ر.ک. محمد عالم زاده نوری، در آمدی بر زی طلبگی، ص ۷۶.



پس بنابر این هر کاری که باعث سبکی شأن طلبه در نگاه مردم شود و طلبه را در ایفای نقش اجتماعی و رسالت خود ضعیف گرداند، اخلاقاً برای طلبه جایز نیست.

شأن طلبه در نگاه مردم، باید در خدمت اهداف دین و تأثیرگذاری اجتماعی قرار گیرد. پس اگر این شأن و موقعیت با بی ملاحظه‌گی از بین برود، زمینه خدمت از بین رفته و انجام وظیفه دشوار می‌گردد. از جمله رفتارهایی که در حفظ شأن طلبگی تأثیرگذار باشند، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

رعایت وقار و طمانینه

در توضیح کلمه‌ی وقار اینطور آمده است: ضد صفت عجله «وقار» است. و آن عبارت است از: اطمینان نفس و سکون آن در گفتار و کردار و حرکات و سکنات، هم پیش از آنکه شروع در یکی از آنها کند و هم بعد از آن، تا هر جزئی از آن کار را به موافق فکر و تدبیر به جا آورد. به این جهت انبیاء و اصفیا و برگزیدگان خدا را به این صفت مدح می‌کنند. در مدح سرور پیغمبران می‌گویند: صاحبُ الوقار و صاحبُ السکینه^۱. در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ وارد است که: «مؤمن البتة متصف به صفت وقار است و در نظر مردم هیچ صفتی آدمی را مانند این صفت، شریف و عزیز نمی‌کند»^۲.

۱. احمد، نراقی، معراج السعادة، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۷۸، چاپ چهارم، مقام سوم، ص ۱۸۴.

۲. ر.ک: محمدباقر، مجلسی، بحارالانوار، باب السکينة و الوقار، بیروت، دارالاحیاء التراث، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۳۳۷.



روحانیون ابتدا باید به هدایت خود بپردازند و سپس اقدام به هدایت مردم کنند. طلاب باید در عین مراعات وقار، ادب و نزاکت با عمل و زبان، در راستای هدایت مردم تلاش کنند. یک طلبه باید مزین به صفت وقار و سنگینی باشد، در مجالسی که شایسته او نیست حاضر نشود. بسیاری از طلاب، در مجالسی شرکت می‌کنند که در شان آنان نیست، اما دلیل آنان اینست که ما می‌خواهیم این منکر را تغییر دهیم، بعد از چند صباحی مشاهده شده است که نه تنها آن منکر تغییر نیافته، بلکه خود آن طلبه در دام همان بدی گرفتار شده است.

مسأله‌ی دیگر این که نحوه پوشش یک طلبه در وقار و متانت او بسیار حائز اهمیت است. از پوشیدن انواع لباس‌هایی که در شان یک طلبه نیست، باید پرهیز شود. یک طالب باید قبول داشته باشد که با یک کوچه بازاری فرق دارد. سنگینی و وقار نه به این معنا که سبب شود فرد دچار غرور و خود پسندی و عجب شود! حفظ عزت نفس با داشتن غرور کاملاً متفاوت است و یک طلبه باید عزت نفس و متانتش را حفظ نماید.

در مورد داشتن وقار و متانت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

« لَيْسَ الْبِرُّ فِي حُسْنِ اللِّبَاسِ وَالزِّيِّ وَلَكِنَّ الْبِرَّ فِي السَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ »^۱ خوبی انسان در نیکویی لباس و ظاهر او نیست، بلکه در آرامش و سنگینی اوست.

لازم به ذکر است که در تشخیص مصداق رفتار سبک نباید جمود ورزید. گاهی یک رفتار به ظاهر کودکانه، به واقع رفتاری حکیمانه است و

^۱. علاء الدین، المتقی الهندی، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق، ح ۶۴۰۱



مصدق لغو و لهُو نیست. مثلاً بازی کردن با کودکان اگر به هدف رفع نیاز عاطفی آنان باشد و یا تعلیم و تعلّم به آنان.

امام علی علیه السلام می فرمایند:

«لِتَكُنْ شِمْتُكَ الْوَقَارَ، فَمَنْ كَثُرَ خَرْقُهُ اسْتَرَدَلَ»^۱

باید وقار و سنگینی خصلت تو باشد زیرا کسی که سبکی اش زیاد است، پست و فرومایه شمرده می شود.

پیامبران الهی همیشه مراعات سطح فکری مخاطبان خود را می کردند و خود را تا آستانه‌ی رشد آنان تنزل می دادند که این ویژگی به جهت مدارا و از باب تعلیم و تربیت امت بوده است، مانند همراهی حضرت ابراهیم با اهل شرک در پرستش ماه و ستاره و خورشید. پس این قبیل کارها در شرایط خاص که ممکن است غرض حکیمانه‌ای بر آن مترتب باشد، ضرورت می یابد. پس باید گفت رفتار بدون هدفِ کودکانه، زینده بزرگسالان نیست و هر رفتاری که باعث سبکی شأن طلبه در نگاه مردم شود و طلبه را در ایفای نقش اجتماعی و رسالت خود ضعیف گرداند، برای طلبه جایز نیست.

شرایط سنی و محیط حضور طلبه در شکل دهی نگاه مردم مؤثر است. مثلاً هر چه سن بالاتر رفته باشد، شأن و جایگاه طلبه در دیده‌ی مردم بیشتر شده و انتظارات آنها هم از او، بالاتر می رود. با این حال، یک طلبه جوان نیز، نسبت به یک جوان معمولی در جامعه، بیشتر در معرض دقت است و همچنین رفتار یک طلبه در ورزشگاه، کوه، استخر، یا در

^۱. عبدالواحد، آمدی، غررالحکم و درر الکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات



مسافرت، با رفتار او در مسجد و کلاس درس در نظر مردم فرق می‌کند و هر یک از این محیط‌ها مقتضای خاصی دارد که به خوبی باید شناخته شود و رعایت گردد.

پرهیز از مواضع تهمت

یکی از قواعد رفتار و اصول عمل اینست که رفتار انسان باعث ایجاد توهّم برای نشود و او را در نظر بینندگان متهم نکند، چون هر کاری که انسان را در نظر دیگران متهم کند و آبروی او را مخدوش سازد از نظر دین مذموم است. انسان باید هم در واقع خوب باشد و هم در نظر مردم به خوبی شناخته شود. انسان مالک آبروی خود است و حق تصرف بیجا در آن را ندارد.^۱

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«أَوَّلَى النَّاسِ بِالتُّهْمَةِ مَنْ جَالَسَ أَهْلَ التُّهْمَةِ»^۲

شایسته ترین مردم به تهمت کسی است که با اهل تهمت همنشینی کند. طلبه باید در رفتار اجتماعی اش، مراعات همه‌ی قواعد کلی و مقررات اخلاقی را بکند. هر رفتاری که سبک تلقی شود یا طلبه را به نا اهلان شبیه گرداند و او را در موضع تهمت قرار دهد یا مانع انجام بهینه رسالت طلبگی باشد ترک شود.

۱. ر.ک: محمد، عالم زده نوری، در آمدی بر زی طلبگی، صص ۸۶، ۸۷.

۲. محمدبن علی، ابن بابویه، الامالی، بیروت، مؤسسه البعثة، مرکز الطباعة و النشر،

۱۳۷۵ش، ص ۲۱.



﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ، كَبُرُ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟! نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید که عمل نمی‌کنید!

امام خمینی رحمته الله در زمینه‌ی زی طلبگی می‌فرمایند:

اگر ما از زی روحانیت و زی طلبگی خارج شویم، اگر روحانیون از آن زی که مشایخ ما در طول تاریخ داشته‌اند و ائمه‌ی هدی : داشته‌اند، خارج شوند، خوف این است که یک شکستی به روحانیت بخورد و شکست به روحانیت، شکست به اسلام است. اسلام با استثنای روحانیت، محال است که به حرکت خودش ادامه دهد، این‌ها باید که اسلام را معرفی می‌کنند و به پیش می‌برند و از اول هم همین‌طور بوده است.^۲

رفتارهایی مانند غیبت، دروغ، نگاه به نامحرم، قسم نا به جا، زیاد سوگند خوردن، تحقیر دیگران، تجاوز به حقوق مردم، عدم رعایت حق الناس، بی‌نظمی و وقت ناشناسی، خلف وعده، بی‌اعتنایی به امانت و ... از این قبیل است و همچنین بی‌اعتنایی به وقت نماز و حضور در بازار مقارن زمان نماز و اذان و صحبت کردن میان مراسم سخنرانی یا روضه به گونه‌ای که آشکار و زنده باشد.

^۱. صف، آیه ۳۰۲.

^۲. روح الله، موسوی خمینی رحمته الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله، ۱۳۸۰، ج ۱۸، ص ۱۳.



طلبه هم به عنوان یک فرد مؤمن و هم به عنوان یک روحانی، وظیفه دارد از این رفتارهای خلاف شأن اجتناب نماید تا هم اعتبار فردی و هم اعتبار صنفی خود را از دست ندهد.

رعایت مباحات رفتاری

بر خلاف رفتارهای خلاف ادب که برای طلبه و غیر طلبه زشت می‌باشد، پاره‌ای دیگر از رفتارها، فقط و فقط برای طلبه محل پرسش است و موجب تنزل ارج و قدر صنفی او می‌شود چون مردم از روحانیت انتظار پرداختن به این امور را ندارند. این رفتارها در ذات خود حرمت یا زشتی ندارد، اما موجب پایین آمدن شأن طلبه و مانع انجام رسالتش می‌گردد. یعنی اگر طلبه بخواهد رسالت فرهنگی خود را بهتر انجام دهد، بهتر است آن‌ها را ترک کند، چون انجام رسالت طلبگی نیازمند ارج و قیمت و احترام ویژه‌ای فراتر از سایر اقشار است.

برخی از این رفتارها عبارتند از : غذا خوردن یا دویدن در کوچه و خیابان، تقلید صدای حیوانات یا اشخاص معروف در فیلم‌ها. در مورد آقایان: مسافرکشی، دو لباسی، راه رفتن در مجلس بدون جوراب.

در مورد خانم‌ها: پوشیدن چادرهای نازک، پوشیدن جوراب نازک در مجالس و در برابر نامحرم، استفاده از لوازم آرایش و انواع مانتوهای رنگی با طرح‌های جذاب و پوشیدن شلوار لی و ...

روحانیت باید بی‌تکلف و بی‌آلایش باشد، باید اعتبار و پرستیژ خود را پاس دارد و به گونه‌ای عمل نکند که فرد او و شخصیتش در نظر جامعه



خُرد، پست، حقیر و ضعیف یا صنف روحانیت به عنوان قشری کم ارزش و بی‌مقدار تلقی شود.

چون شیعیان و به خصوص قشر علما و روحانیون در همه جا، دشمنانی دارند، باید اَبَتهت و جلال خود را در مقابل دشمن خویش پاس دارند و انجام کارهای پست، این جلال و شکوه را از آنان می‌گیرد و آنان را از اجرای بهینه وظایف خود باز می‌دارد.

پرهیز از رفتارهای متکبرانه

روحانی که وظیفه تعلیم و تعلم مردم را بر عهده دارد، از منزلت ویژه‌ای برخوردار است و مورد احترام و تجلیل نیز قرار می‌گیرد. این احترام نباید مایه‌ی غرور و تکبر شود. یک طلبه هرگز نباید خود را برتر از دیگران بداند. رفتارهایی که نشان این رذیلت اخلاقی باشد بسیار مذموم و زشت است. رفتارهایی مثل: عدم رعایت نوبت، عدم رعایت قانون، بی‌اعتنایی به مردم، توقع احترام، انتظار سلام از مردم و...

موضوع مهم دیگر جلال و جبروت علمایی است. تظاهر به علمیت، استفاده از کلمات قلمبه، اصطلاحات عربی نا مأنوس، لفظ قلم سخن گفتن مخصوصاً در محاورات عادی و ... گاهی نشان غرور و برتری‌جویی است. این روش علاوه بر اینکه نوعی تظاهر است، بی‌شک موجب دوری از مردم و به منزله‌ی مانع و حجابی است که از ابلاغ دین و ادای وظیفه‌ی طلبگی، جلوگیری می‌کند.

لذا بر طلبه است که مانند پیامبران، به لسان قوم با مخاطبان سخن گوید و از فضل فروشی و وانمود این که شما در سطح ما نیستید به شدت پرهیزد و بر آن‌هاست که با کلماتی ساده و روان و سخنرانی‌های بی‌تکلف،



به وظیفه‌ی طلبگی خود عمل کرده و خدا و رسول او را از این رفتار شاد گرداند.^۱

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمایند:

«فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ سَبْعُونَ دَرَجَةً بَيْنَ كُلِّ دَرَجَتَيْنِ حُضْرُ الْفَرَسِ سَبْعِينَ عَامًا وَ ذَلِكَ لِأَنَّ الشَّيْطَانَ يَضَعُ الْبِدْعَةَ لِلنَّاسِ فَيُبْصِرُهَا الْعَالِمُ فَيَزِيلُهَا وَ الْعَابِدُ يَقْبَلُ عَلَى عِبَادَتِهِ لَا يَتَوَجَّهَ وَ لَا يَتَعَرَّفُ لَهَا»^۲

فضیلت عالم بر عابد هفتاد درجه است که میان هر دو درجه معادل هفتاد سال مسیر یک اسب تیز رو، فاصله است؛ و این بدان جهت است که شیطان میان مردم بدعت می‌گذارد که عالم آن را می‌شناسد و از آن نهی می‌کند، در حالی که عابد به عبادت خویش مشغول است و به آن بدعت توجهی ندارد و آن را نمی‌شناسد.

رعایت رفتارهای لازم طلبه

گونه‌ای از رفتارها، رفتارهایی است که طلبه باید انجام دهد و ملاحظه‌ی شأن و رتبه‌ی خود را نکند. اگرچه که طلبه برای ادای رسالت خود نیاز به جایگاه اجتماعی دارد و باید از رفتارهایی که باعث پایین آمدن منزلت و مقام اجتماعی او می‌گردد، خودداری کند، اما در مواردی که یک مصلحت اهم وجود دارد، طلبه نباید از اقدام به این امور طفره رود؛ بعضی از این امور مانند: « ورزش، کمک به سالخوردگان و رساندن بار آنها به منزل،

۱. رک: محمد، عالم زاده نوری، راه و رسم طلبگی، قم، ولاء منتظر، ۱۳۸۷، ص ۷۴.

۲. زین الدین بن علی، شهید ثانی، منیة المرید، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ق،



تواضع برای مردم و احترام به آنها، گرفتن دست ناتوان، احترام به والدین و بوسیدن دست آنها، بوسیدن فرزند، کفشداری، خدمت به مسجد و حرم ائمه اطهار، ابتدا به سلام، سلام به کودکان، پرهیز از جر و بحث و جدال، دفاع از حق و طلبه باید در تأمین نیاز مردم و در مواجهه با خواستها و مراجعات آنان — چه در امور دینی و چه در امور اجتماعی و عرفی — و در حل مراعات آنان، بی‌حوصلگی نشان ندهد و از بذل توان و اعتبار خود دریغ نکند، بلکه با رویی خوش و چهره‌ای گشاده، آن چه از دستش بر می‌آید به کار گیرد.^۱

امام علی علیه السلام در دو روایت می‌فرمایند:

« اِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَاعْتَمِدُوا وَلَا تَمَلُّوْهَا فَتَتَحَوَّلَ نِقْمًا »^۲ طلبه باید به تأسی از پیامبران الهی در دفاع از حق و در بیان آن، بسیار صریح و جسور باشد، حتی اگر مردم آن را نپسندند یا تلخ شمارند، بر اوست که حق را بگوید و جز حق نگوید و در دفاع از حق و دوری از باطل و گرفتن حق مظلوم تمام همت خویش را گمارد.

به عنوان مثال؛ طلبه باید توجه داشته باشد که برخی پوشش‌ها در جامعه عرف هست و مردمان عادی و اکثر آنان البته، چنین لباس‌هایی می‌پوشند، مثل: پوشیدن شلوار لی یا لباس‌های رنگ روشن در اجتماع، اما استفاده‌ی طلبه از این پوشش‌ها آنرا توجیه می‌کند و این خلاف شأن طلبه است؛ چرا که پوشش وی الگوی بسیاری از افراد متدین جامعه است.

۱. محمد، عالم زاده نوری، در آمدی بر زی طلبگی، ص ۱۴۷.

۲. محمد، آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ح ۱۰۳۰۱.



لذا یک طلبه باید بسیار هوشیارانه عمل نماید و از لحاظ رفتار و اخلاق در جامعه و در حضور با دیگران مراقبت خاصی داشته باشد تا شأن و مقام خویش را حفظ نموده و مردم از او تأسی نمایند.

پرهیز از گرفتن دستمزد

اکثر طلاب و روحانیون، بعد از انجام کارها و وظایفی مانند خواندن نماز جماعت مساجد، خواندن خطبه‌ی عقد و ... دستمزد تعیین کرده و این قبیل کارها را به عنوان شغل خود می‌دانند و گاهی با گرفتن دستمزدهای بالا، سبب ناراحتی و بدخلقی دیگران می‌گردند و در نظر مردم، آن شأن ویژه‌ی خود را با این قبیل کارها از دست می‌دهند.

طلبه نباید در قبال انجام وظایفی همچون: سخنرانی، اقامه نماز جماعت، نماز میت، خطبه‌ی عقد، مداحی، روضه خوانی و ... از مردم تقاضای پول کند، یا با آنان طی نماید و یا چانه بزند، بلکه باید مانند پیامبران الهی با زبان حال و قال بگوید:

﴿فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِّنْ أَجْرٍ إِنِ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ﴾^۱

من از شما مزدی نمی‌خواهم. مزد من، تنها بر خداست!

پیامبر اکرم ﷺ در این زمینه می‌فرمایند:

«مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا بَعَمَلِ الْآخِرَةِ فَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَّصِيبٍ»^۲

هرکس با عمل آخرت، دنیا طلبی کند در آخرت بهره‌ای ندارد.

^۱. یونس، آیه ۷۲.

^۲. محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۱۸.



نه تنها طلب پاداش و اجرت، بلکه توقع احترام و تشکر هم برای طلبه زیبنده نیست، طلبه با این خدمات اجتماعی به معامله با خدا برخاسته و ادای وظیفه‌ی شرعی کرده است. به همین جهت احترام و توهین مردم باید در نظرش مساوی باشد و به نفرین و صلوات آنان اعتنا نکند.

این مورد در خواهران طلبه هم صدق می‌کند، آن‌ها که در مراسم روضه‌خوانی شرکت کرده و یا با مداحی در این مراسم و ذکر اهل بیت:تنها باید برای رضای خدای متعال کار کرده و هیچ‌گاه با صاحب مجلس بر سر قیمت و پول این کار بحث نکند و بداند که هر کاری که برای رضایت او انجام گیرد حتماً پاداش و اجرش را از همو دریافت خواهد نمود.

راه رسیدن به همه چیز علاوه بر پشتکار و زحمت آدمی و توکل به خدا، نیاز به توسل به اهل بیت هم دارد و یک راه توسل، خواندن زیارت لاقفل زیارت جامعه صغیره را هر روز خواندن، زیارت عاشورا، دعای فرج، قرآن، ادعیه روز و ... برای یک طلبه بسیار می‌تواند مفید واقع شود.^۱

۱. ر.ک: شاکر، برخوردار فرید، آداب الطلاب، تهران، لاهوت، ۱۳۸۵، ص ۲۳۲.



فصل دوم:

حجاب و عفاف

چیستی حجاب

« حجب و حجاب هر دو مصدر و به معنای پنهان کردن و منع کردن و منع از دخول است.^۱ » الحجاب: مَنَعٌ مِنَ الْوُصُولِ. حجاب یعنی آنچه مانع رسیدن است^۲

حجاب به معنای پرده و ستر و حاجب نیز است. چنان که در آیات قرآن نیز به همین معنا بکار رفته است که به برخی از آن ها اشاره می شود:

«وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكُمْ حِجَابٌ»^۳ و میان ما و تو پرده ای است.

﴿كَأَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَّحُجُوبُونَ﴾^۴

چنین نیست که می پندارند، بلکه آنها در آنروز از پروردگارشان محجوبند!

«حجاب از آن جهت معنی پوشش می دهد که پرده وسیله ی پوشش است و بر حسب لغت، آن پوششی حجاب نامیده می شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد.»^۱

۱. سید علی اکبر، قرشی، قاموس قرآن، قم، دارالکتب اسلامیة، بهار ۱۳۷۵، ص ۸۹.

۲. حسین بن محمد، راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ترجمه حسین خداپرست، قم: دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۹۰، ص ۱۰۸.

۳. فصلت، آیه ۵.

۴. مطففین، آیه ۱۵.



از مجموع این کلمات چنین نتیجه گرفته می‌شود که گرچه واژه‌ی حجاب در لغت اغلب به معنای پرده و حائل استعمال شده است و شاید پوشش زن را به اعتبار پشت پرده واقع شدن، حجاب نامیده‌اند، اما به طور مسلم امروزه، به ویژه در معنای اصطلاح واژه‌ی حجاب فقط به معنای پوشش مخصوص زنان به کار می‌رود و معنای پرده منسوخ شده است. از این رو فقها و مفسران متأخر و نویسندگان معاصر، به جای کلمه (ستر) یا پوشش زنان، از کلمه "حجاب" استفاده می‌کنند. حجاب برای بانوان به معنای پوششی است که تمام بدن او را بپوشاند به جز گردی صورت و دست‌ها تا مچ؛ به شرط اینکه مهیج نباشد و جلب توجه نکند.

حجاب در قرآن

قرآن زنان ایده‌آل را که در بهشت جای دارند، به مروارید محبوب و پوشیده در صدف تشبیه نموده و می‌فرماید: (كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ)^۱ و یا آنان را به جواهرات اصلی چون یاقوت و مرجان تشبیه می‌کند که جواهر فروشان، آن‌ها را در پوششی مخصوص قرار می‌دهند تا همچون جواهرات بدلی، به آسانی در دسترس این و آن قرار نگیرند و از ارزش و اهمیت آن‌ها کاسته نشود.

^۱. مرتضی مطهری، مسأله حجاب، تهران، صدرا، ۱۳۸۶، ص ۷۲.

^۲. واقعه، آیه ۲۳.



﴿ فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌ - كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتَ وَالْمَرْجَانَ ﴾^۱

در آن باغ‌های بهشتی زنانی هستند که جز به همسران خود عشق نمی‌ورزند و هیچ انس و جن، پیش از اینها با آنان تماس نگرفته است - آنها همچون یاقوت و مرجانند.

بنابراین حجاب، وقار و کمال زن بوده، نشانگر ارزش و اصالت وی می‌باشد و خداوند پاداش عظیم و بی‌کران برای زنان تقوی پیشه مقرر داشته است. حال به بررسی آیات قرآنی در مورد حجاب پرداخته می‌شود:

آیه‌ی خمار

مهم ترین آیه‌ی وجوب حجاب در قرآن، آیه ۳۱ سوره‌ی نور است:

﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ...﴾

« به زنان با ایمان بگو: چشمهای خود را فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است، آشکار نکنند و روسریهای خود را بر سینه افکنند و... »

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت است:

«جوانی از انصار در کوچه های مدینه با زنی که مقنعه خود را پس گوشش بسته بود، مواجه شدو بنا بر عادت آن زمان، هنگامی که آن زن از کنار جوان عبور کرد، جوان صورت خود را برگرداند و در پشت سر آن زن -

^۱. الرحمن، آیات ۵۶ و ۵۸ .



نظری کرد و به راه خود می رفت و به پناهگاه سر کوچه رسید. بر روی دیوار، پاره استخوان یا شیشه ای بود که صورت جوان به آن برخورد کرد و خونش جاری شد. با این حال خدمت پیغمبر ﷺ قضیه را بیان کرد و آیهی شریفه نازل شد.^۱

این آیه بسیار آشکارا در مورد پوشش سخن گفته و کلمه‌ی خُمر در آن نشانه‌ی برقراری حجاب بهتر توسط بانوان پیامبر و بقیه زنان است.

« آیهی فوق ۲ پیام دارد:

الف) هر کاری که زینت زن را آشکار کند یا دیگران را از آن آگاه سازد ممنوع است.

ب) این آیه، نام مقنعه و روسری را به عنوان پوشش آورده است که اهمیت پوشش سر و گردن و سینه را نشان می دهد. (خمرهن)^۲»

آیهی جلباب

یکی دیگر از آیاتی که در قرآن بر وجوب حجاب برای زن دلالت می کند، آیهی ۵۹ سوره‌ی احزاب می باشد:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ، قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً﴾

۱. محمد حسین، طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی، بی جا، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۷، ج ۱۵، ص ۱۶۳ و ۱۶۴.

۲. محسن، قرائتی، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۱۷۵.



ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو: «جلبابها [روسی‌های بلند] خود را برخویش فروافکنند، اینکار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است (و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنها سرزده توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده‌ی رحیم است.

» در زمان پیامبر ﷺ زنان مسلمان به مسجد می‌رفتند و پشت سر پیامبر ﷺ نماز می‌گذازدند. هنگام شب، موقعی که برای نماز مغرب و عشاء می‌رفتند، برخی از جوانان هرزه و اوباش بر سر راه آنها می‌نشستند و با مزاح و سخنان ناروا، آنان را آزار می‌دادند و مزاحشان می‌شدند؛ آیه‌ی فوق نازل شد و به آنها دستور داد حجاب خود را به طور کامل رعایت کنند، تا به خوبی شناخته شوند.^۱

جلباب در آیه‌ی شریفه، جمع جلباب است و "الجلباب: القُمُصُ وَالْخُمُرُ = جلباب به معنی پیراهن و روسری است"^۲. برخی دیگر می‌گویند: "جلباب عبارت است از پیراهن و جامه‌ای گشاده و بزرگ، کوچک تر از ملحفه یا (چادر مانند) که زن به وسیله آن، تمام جامه‌های خویش را می‌پوشاند؛ یا چارقد."^۳

بحث در علت و فایده‌ی این دستور این است که: "شناخته شوند و آزار نبینند". در این باره دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد و آنچه به نظر صحیح می‌رسد، نظر شهید علامه مرتضی مطهری است که می‌فرماید: «

۱. ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۳، ج ۱۷، ص ۱۷۵.

۲. الراغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۹۵.

۳. سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ص ۲۱۳.



وقتی زن پوشیده و سنگین از خانه بیرون رود و جانب عفاف و پاکدامنی را رعایت کند، افراد فاسد و مزاحم، جرئت نمی‌کنند متعرض او شوند.^۱

آیه‌ی حجاب

﴿وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَلُّوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ، ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ وَ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَ لَا...﴾^۲

ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید، هرگاه از زنان پیامبر ﷺ چیزی خواستید، از پشت پرده بخواهید؛ این برای دل‌های شما و دل‌های آنان پاکیزه‌تر است و شما حق ندارید رسول خدا ﷺ را برنجانید و نه ... از احکامی که در آیه آمده است این می‌باشد که خداوند دستور داده که هنگامی که چیزی از همسران پیامبر ﷺ می‌خواهید از پشت پرده بخواهید؛ این امر در میان اعراب و بسیاری از مردم رایج بود که به طور موقت، وسایل زندگی را از همسایه به عاریت می‌گرفتند و خانه‌ی پیامبر هم از این قانون مستثنی نبود و گاه و بیگاه می‌آمدند و از همسران پیامبر ﷺ چیزی می‌گرفتند. لذا قرار گرفتن همسران پیامبر ﷺ در معرض دید مردم، هر چند با حجاب اسلامی، کار خوبی نبود؛ پس دستور داده شد که از پشت پرده یا پشت در بگیرند.

^۱. مرتضی، مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۶۲.

^۲. احزاب، آیه ۵۳.



انواع حجاب قرآنی

۱- حجاب در دیدار

کسی که طبق فطرت پاک، به خدا و روز جزا ایمان بیاورد و افعال خویش را کنترل کند، باید مواظب نگاه و نظرهای خود باشد. طلبه در این خصوص بیشتر و بهتر باید چشم‌ها را از نگاه به نامحرمان فرو بندد.

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ﴾^۱

ای رسول، به مردان مومن بگو تا چشم‌ها را از نگاه ناروا بپوشانند.

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ﴾^۲

ای رسول خدا به زنان مومن بگو تا چشم‌ها را از نگاه به نامحرم بپوشانند.

۲- حجاب در گفتار

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب گفتاری زنان در مقابل نامحرم است و اینکه یکی دیگر از راه‌های مشارکت زنان در ایجاد و تحکیم حجاب، خودداری از سخن گفتن به نرمی و نازکی زنانه است که موجب تحریک بیمار دلان می‌گردد.

﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا﴾^۳

۱. نور، آیه ۳۰.

۲. نور، آیه ۳۱.

۳. احزاب، آیه ۳۳.



ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از آنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویید که بیمار دلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگویند!

۳- حجاب در رفتار

یکی از انواع حجاب و پوشش در قرآن، حجاب رفتاری زنان و نوع راه رفتن آنها در مقابل نامحرم می باشد. در این جا به زنان دستور داده شده است که به گونه ای راه نروند که با نشان دادن زینت های خود، باعث جلب توجه مردان شوند. این مورد نه تنها در مورد زنان معمولی، که درباره‌ی طلبه‌ها بیشتر به چشم می‌آید.

بعضی از خواهران با پوشیدن کفشهای پاشنه بلند و صدادار، خنده‌های بلند در خیابان، و یا حتی گاهی با زیورآلاتی که به همراه خود دارند، باعث جلب نظر مردان و نامحرمان می‌شوند. خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ﴾^۱

هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود (و صدای خلخال که بر پا دارند به گوش رسد).

از مجموع مباحث به روشنی استفاده می‌شود که مراد از حجاب اسلامی، پوشش و حریم قایل شدن در معاشرت زنان با مردان نامحرم، در خلال رفتارهای مختلف آنها، مثل نحوه‌ی پوشش، نگاه، حرف زدن و راه

^۱. نور، آیه ۳۱.



رفتن است. لذا حجاب و پوشش زن به منزله‌ی یک حاجب و مانعی در مقابل افراد نامحرمی است که قصد نفوذ در حریم دیگران را دارند.

حجاب در روایات

پیامبرگرامی اسلام ﷺ و ائمه معصومان علیهم السلام علاوه بر تأکیدی که بر رعایت حجاب داشتند، دستور العمل‌هایی نیز ارائه نموده‌اند، که در روایات بسیاری از ایشان نقل گردیده است تا جامعه اسلامی را به سوی تهذیب و پاکی رهنمون گردند.

برخی از این رهنمون‌ها به شرح ذیل می‌باشد:

۱- پرهیز زنان از پوشش بدن نما و نازک

در بسیاری از روایات از ائمه‌ی اطهار : در مورد زنان و دوری کردن آنان از پوشیدن لباس‌های نازک، طوری که بدنشان دیده شود، سخن به میان آمده است، از جمله: « روزی اسماء، خواهر همسر پیامبر ﷺ به منزل پیامبر ﷺ آمد؛ در حالی که لباس نازک و بدن نما پوشیده بود، پیامبر ﷺ روی خود را از وی برگرداند و فرمود: « زن وقتی به حد بلوغ رسید، نباید جایی از بدن و اندامش دیده شود، مگر صورت و دست‌ها و... »^۱ و پیامبر اکرم ﷺ در حدیثی دیگر فرمودند: « دو گروه از اهل آتش هستند: گروهی که تازیانه در دست می‌گیرند و مردم را می‌زنند و به آنها ظلم می‌کنند و دوم، زنانی که لباسهای نازک می‌پوشند و با سر و بدن

^۱. ابو داوود، سلیمان ابن اشعث السجستانی الازدی، سنن ابو داوود، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا، ج ۲، ص ۳۸۳.



برهنه در مجامع حاضر شده و بر سرهایشان برآمدگی ایجاد می‌کنند و فتنه‌انگیز هستند، این‌ها داخل بهشت نمی‌شوند.»^۱

۲- پرهیز زنان از استعمال عطر و آرایش نمودن در خارج از منزل

برخلاف روایاتی که در زمینه‌ی آراستگی زنان و استفاده از عطر و بوی خوش و آرایش نمودن آنها در خانه و در پیشگاه همسر، آمده است؛ روایات و احادیث فراوانی هم در مورد عدم استفاده از عطر در هنگام خروج از منزل توسط بانوان، اشاره شده است که به حفظ حجاب و عفت آنان کمک می‌کند.

قال الصادق (علیه السلام) «لَا يَنْبَغِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَجْمَرَ ثَوْبُهَا إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا»^۲

شایسته نیست زن به هنگام بیرون رفتن از خانه، لباس‌های خود را خوشبو سازد.

۳- پرهیز از خلوت کردن با نامحرم

هیچ زن و مرد نامحرمی، بنا به دستور اکید اسلام، جایز نیست که در یک جا باهم تنها باشند. زن و مرد نامحرم در هر مرحله‌ای از صفات

۱. محمدبن علی، ابن بابویه (شیخ صدوق)، الخصال، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، اسلامیه، ۱۳۸۵، ص ۴۶.

۲. محمد بن یعقوب، کلینی، کافی، ترجمه جواد مصطفوی، تهران، وفا، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۵۱۹.



اخلاقی و عفاف هم که باشند، درخلوت، سخت در معرض وسوسه‌های شیطان قرار می‌گیرند.^۱

در این باره حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «لَا يَخْلُونَ رَجُلٌ بامرأةٍ فَإِنْ ثَالِثَهُمَا شَيْطَانٌ»^۲ هیچ مردی حق ندارد که با زنی خلوت کند، چرا که سومین آنها شیطان است.

۴- پرهیز از توصیف زنان نامحرم

زنان نباید در نزد نامحرمان از خصوصیات و ویژگی‌های زنی دیگر، سخن بگویند و او را توصیف کنند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه فرمودند: کسی که زنی را برای مردی وصف کند و آن مرد به واسطه‌ی آن وصف، آلوده به گناه شود؛ از دنیا نمی‌رود مگر اینکه مورد غضب الهی واقع شود.^۳

چیستی عفاف

عفت در اصل به معنی خویشتن داری و تسلط بر نفس، نقطه‌ی مقابل شهوت پرستی و شکم پرستی است.

^۱ . روح الله، شکری چوبی، اخلاق جنسی و نقش آن در زندگی بشر، قم، نشر سلسله، ۱۳۸۵، ص ۶۸.

^۲ . میرزا حسین، نوری طبرسی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، بی تا، ج ۱۴، ص ۲۶۶.

^۳ . احمد، رحمانی همدانی، فاطمه‌ی زهرا بهجت قلب المصطفی صلی الله علیه و آله، تهران، کوکب، ۱۳۶۹، ص ۲۷۳.



« الْعَافُ قَدْرُ الْكَفَافِ وَ الْغِنَى، غَنَى النَّفْسِ وَ فِي الْخَبَرِ مَنْ يَسْتَعْفِفُ
يَعْفَهُ اللَّهُ وَ التَّعَفُّفُ، هُوَ الْكَفُّ عَنِ الْحَرَامِ وَ السُّؤَالِ مِنَ النَّاسِ »^۱

عفاف یعنی داشتن به مقدار نیاز، و بی‌نیازی، یعنی نفس او بی‌نیاز
است و کسی که عفت ورزید، خداوند او را می‌آمرزد و عفت ورزیدن، یعنی
جلوگیری کردن از حرام و درخواست از مردم.

واژه‌ی عفت در آیات و روایات نیز استعمال شده است. « مفهوم عام
عفت در روایات، به معنای خویشتن داری در برابر هر گونه تمایل افراطی و
نفسانی است و مفهوم خاص آن، خویشتن داری در امور مالی و در برابر
تمایلات و بی‌بند و باری جنسی است ».^۲

در ادیان الهی نیز، توصیه به عفاف و حیا فراوان شده است. بنابراین
ممکن است شکل و اندازه و کیفیت بروز آن در دوره‌های مختلف متفاوت
باشد؛ اما با این خصلت همیشه بروز و ظهور داشته است.

در فرهنگ اسلامی، عفاف و حیا مترادف هم معنا می‌گردند. علمای
اخلاق، حیا را این‌طور معنا نموده‌اند: «حیا، محدودیت و در تنگا افتادن
نفس در ارتکاب محرمات شرعی و عقلی و عرفی، از ترس نکوهش و
سرزنش است. تقوا، اجتناب از گناهان شرعی است و حیا، اعم از این است و

۱. فخر الدین، طریحی، مجمع البحرین، قم، الدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۱ق، ج ۵،
ص ۱۰۲.

۲. حسین بن محمد، راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دارالقلم،
۱۹۹۶م، ص ۳۵۰.



عبارت است از اجتناب از آنچه عقل و عرف نیز آن را زشت و ناپسند می‌دانند.^۱

عفت و پاکدامنی همانند پرده‌ی آخری است که به واسطه‌ی دو پرده‌ی دیگر یعنی حجاب و حیا، محافظت می‌شود؛ بدین معنا که ابتدا از حیای زن کاسته می‌شود، سپس حجاب او سست می‌گردد و نهایتاً بی‌عفتی، دامنگیرش می‌شود.

در حدیث آمده است: «سَبَبُ الْعِفَّةِ الْحَيَاءُ»^۲ پیش درآمد عفت و پاکدامنی، حیاست.

حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه از خصلت‌های نیک زنان را ترسو بودن آن‌ها معرفی می‌کند و علت را چنین بیان می‌نماید: «چون ترسان باشد، از هر چیزی که به آبروی او زیان رساند فاصله می‌گیرد.»^۳

استاد شهید مرتضی مطهری رحمته الله ترس را در این‌جا، عفاف زن معرفی می‌کند و بر این باور است که همیشه مردان به عفت زنان تجاوز می‌کنند و مزاحمت در امر عفاف، بیشتر از طرف مرد است، لذا در جایی که عفت و پاکدامنی زنان در معرض خطر قرار می‌گیرد باید محتاطانه و از روی ترس رفتار کنند تا آسیبی به آنان وارد نشود.^۴

۱. ملا مهدی، نراقی، گزیده جامع السعادات، ترجمه: دکتر مجتبوی، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۸۱، ص ۳۶۸.

۲. عبد الواحد، آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۵۷، حدیث ۵۰۸۱.

۳. محمد، دشتی، ترجمه‌ی نهج البلاغه، قم، الهادی، ۱۳۸۲، حکمت ۲۳۴.

۴. رک: مرتضی، مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۷۶، صص ۱۶۷ و ۱۶۹.



انواع و ارکان عفاف

عفت در فکر

«عفت در فکر، دور نگه داشتن فکر و اندیشه از عرصه های ناهنجار و آلوده است. بنابراین، هر عمل و رفتاری چه خوب و چه بد، از فکر و اندیشه سرچشمه می گیرد.»^۱

حضرت علی (ع) فرمودند:

«مَنْ كَثُرَ فِكْرُهُ فِي الْمَعَاصِي دَعَتْهُ إِلَيْهَا»^۲

کسی که بسیار درباره ی گناهان بیاندیشد، بزهکاری ها او را به خویشتن فرا می خوانند.
لذا هر قدر فکر انسان متعالی تر باشد، راه تکامل را سریع تر می پیماید.

عفت در نگاه و دیدار

همان طور که همه می دانند، «چشم دروازه ی دل است. آنچه از این دریچه وارد وجود شخص شود، گاهی او را به سر منزل سعادت و گاه به ورطه ی سقوط و ذلت می کشاند.»^۳ بر همین اساس، خداوند که مصلحت انسان را بهتر می داند، او را به عفت در نگاه توصیه می نماید و از نگاه های آلوده برحذر می دارد.

^۱. حسین، عرفانی، هفته نامه حدیث زندگی، ش ۶۰، ص ۱۰.

^۲. علی محمد، لیشی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، مصحح: حسین حسینی بیرجندی، دار الحدیث، قم، ۱۳۷۶، ص ۴۵۷.

^۳. محمدتقی، فلسفی، جوان، تهران، نشر معارف اسلامی، ۱۳۴۴، ص ۳۶۵.



بنابر آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور، باید نگاه مردان به چهره‌ی زنان نامحرم و نگاه زنان به چهره‌ی مردان، نگاهی باشد که لازمه‌ی گفت و گوهای ضروری و خدا پسندانه است، نه نگاهی که به سبب هوس و برانداز کردن خصوصیات یکدیگر باشد و البته این نگاه ها هم باید بدون قصد لذت و شهوت باشد؛ زیرا در قرآن کریم می فرماید:

﴿يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ﴾^۱

و او خیانت چشم ها را و آنچه در سینه ها پنهان می دارید، می داند. با توجه به آیه، مشخص است که خداوند بر تمام اعمال انسانها آگاهی داشته و شاهد و ناظر آنهاست. لذا توصیه به عفاف و لزوم پرهیز از چشم چرانی یا خود نمایی زن، به منظور پاکی جان و روان، امری است که با سعادت مرد و زن و نسل انسانی مرتبط است.

یک طلبه و روحانی، درباب رعایت عفت نگاه، باید بیش از دیگران و افراد عوام، دقت لازم را مبذول داشته تا ناخواسته مورد توجه اطرافیان قرار نگیرد و به عنوان الگوی برتر در این زمینه در جامعه محسوب گردد.

عفت در پوشش و حجاب

از آنجا که موضوع پوشش و حجاب جسم و اندام تحریک برانگیز زن و مخفی و پنهان نمودن زینت های او، اهمیت بسیاری دارد، خداوند در آیه ۳۱ و ۶۰ سوره نور و نیز آیه‌ی ۵۹ احزاب و آیات دیگری از قرآن، با تعبیرهای مختلف، زنان را به رعایت این امر توصیه می فرماید.

۱. سوره غافر، آیه ۱۹.



از مضمون آیات این نتیجه به دست می‌آید که زنان بایستی زینت های خود مانند: اندام، موی سر و گردن، سینه، ساق و دست و پای خود را بپوشانند و جز قسمت‌هایی که شارع مقدس اجازه فرموده، (گردی صورت و کفین) بقیه اندام ها باید از دید نامحرم محفوظ بماند.^۱ اگر همه‌ی بانوان در انتخاب پوشش خود، از حجاب برتر که همان چادر است استفاده نمایند، برای آنان بهتر است.^۲

عفاف تنها در مورد زنان جامعه نیست، بلکه در آیه ۳۰ سوره نور، خداوند به مردان هم دستور "يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ" می‌دهد؛ زیرا که مردان هم نباید جلب توجه کنند و زنان و دختران را به گناه بیندازند. لذا بهتر است از پوشیدن لباس‌های تنگ و نازک و شلوارهای فاق کوتاه با دوخته‌های مختلف خودداری نمایند؛ خداوند می‌فرماید:

﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾^۳

در راه نیکی و پرهیزگاری باهم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید!

پس مردان نیز باید لباس ساده و متین که از هر گونه منع شرعی به دور باشد، استفاده کنند، زیرا نوع پوشش یک فرد در جامعه، معرف روحیه و شخصیت اوست.

۱. ر.ک: مرتضی، مطهری، مسئله حجاب، تهران، صدرا، ۱۳۸۶، ص ۱۸۷.

۲. ر.ک: محمد رضا، اکبری، تحلیلی نو و عملی از حجاب عصر حاضر، تهران، پیام عترت، ۱۳۷۶، صص ۳۰ و ۳۱.

۳. مائده، ۲.



عفت در کردار و رفتار

عفت در کردار، شامل عفت در دست، پا، گوش، زبان و سایر رفتارهایی است که از انسان صادر می‌گردد.

عفت دست: یعنی اینکه به آنچه خداوند حرام کرده، دست نزنند و طبق فرمایش رسول اکرم ﷺ که می‌فرمایند: «وَمَنْ صَافَحَ امْرَأَةً حَرَامًا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَغْلُولًا ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ»^۱

هر کس به طور حرام به زنی مصافحه کند، یعنی به او دست بدهد، روز قیامت در غل و زنجیر بسته خواهد شد؛ آنگاه به آتش انداخته می‌شود. پس این حدیث اشاره به عدم مصافحه با نامحرم را دارد که از نظر شرع کاری حرام می‌باشد و دست دادن زنان و مردان نامحرم با هم (که امروزه این رفتار، مبنی بر متمدن بودن افراد می‌باشد) گناهی بزرگ است. عفت پا: در این است که انسان به جاهایی که خداوند حرام نموده، مانند مجالس لهو و لعب، قدم نگذارد، جوراب‌های نازک و کفش‌های صددار را آشکار نکنند.^۲ در این رابطه، طلبه‌ها بسیار می‌توانند در جامعه موثر واقع گردند؛ خصوصاً در مورد مجالس عروسی که اگر عدم شرکت طلبه و روحانی در این مجالس پر گناه، دلیلی بر غیر شرعی بودن آن مجلس داشته و دیگران متوجه این مطلب گردیده و بسیار می‌تواند تأثیر گذار باشد. لذا بر طلبه است که این موازین را رعایت کرده تا عفاف او باعث اثر گذاری در جامعه گردد.

۱. محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۶۳، و علی نظامی، گلزار عفت، همدان، میهن نو، ۱۳۸۵، ص ۷۸.

۲. محمد، وحیدی، احکام خانواده ۱، تهران، مرکز نشر هاجر، تابستان ۱۳۸۵، ص ۹۸.



عفت گوش: یعنی نگهداری گوش از شنیدن انواع صداهاى حرام
مانند: صدا و آهنگ‌هاى لهو و لعب و مطرب، شنیدن غیبت، تهمت، دروغ،
فحاشی و...

عفت زبان: از بین تمام اعضاء و جوارح، عضوی که آلودگی بیشتر
برای انسان ایجاد می‌کند، زبان است که گناهانی مانند: دروغ، غیبت،
تهمت، ناسزا، سرزنش دیگران، بیان رازها و اسرار دیگران و... (حدود
دویست گناه) را به بار می‌آورد.^۱ عفت زبان، خودداری زیان در برابر همین
گناهان است.

رابطه‌ی بین حجاب و عفاف

دو واژه‌ی "حجاب" و "عفت" در اصل معنای منع و امتناع مشترک
اند. تفاوتی که بین منع و بازداری حجاب و عفت است، تفاوت بین ظاهر و
باطن است؛ یعنی منع و بازداری در حجاب مربوط به ظاهر است ولی منع و
بازداری در عفت، مربوط به باطن و درون است. چون عفت، یک حالت
درونی است ولی با توجه به اینکه تأثیر ظاهر بر باطن و تأثیر باطن بر
ظاهر، یکی از ویژگی‌های عمومی انسان است، بنابراین بین حجاب و پوشش
ظاهری و عفت و بازداری باطنی انسان، تأثیر و تأثر متقابل است.^۲

بدین ترتیب که هر چه حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر
باشد، این نوع حجاب در تقویت و پرورش روحیه‌ی باطنی و درونی عفت،

۱. محمد رضا، کوهی، آسیب‌شناسی شخصیت زن، بی‌جا، پاریسیان، ۱۳۸۵ش،
ص ۳۱۳.

۲. ر.ک محمد، شجاعی، در و صدف، تهران، انتشارات محیی، بهار ۱۳۷۸. ص ۱۵۶.



تأثیر بیشتری دارد و بالعکس هر چه عفت درونی و باطنی بیشتر باشد، باعث حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر در مواجهه با نامحرم می‌گردد. در اینجا، لزوم داشتن حجاب برتر یک طلبه، ظاهر می‌گردد.

در جامعه نمی‌توان زن یا مردی را که نیمه عریان و بدحجاب در انظار عمومی ظاهر می‌شود را عقیف دانست؛ زیرا معلوم شد که پوشش ظاهری یکی از علامت‌ها و نشانه‌های عفاف است و بین مقدار عفاف و حجاب، رابطه‌ی تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد. بعضی افراد، رابطه‌ی حجاب و عفاف را از نوع رابطه‌ی ریشه و میوه دانسته‌اند. با این تعبیر که حجاب، میوه‌ی عفاف و عفاف ریشه‌ی حجاب است.^۱

« بعضی از افراد نیز ممکن است حجاب ظاهری داشته باشند ولی عفاف و طهارت باطنی را در خویش ایجاد نکرده باشند، این حجاب تنها پوسته و ظاهری است و افرادی که ادعای عفاف کرده و با تعبیری چون: من قلب پاک دارم، خدا با قلب‌های پاک کاری ندارد و... خود را سرگرم می‌کنند. چنین انسانهایی باید در قاموس خود این نکته اساسی را بنگارند که درون پاک، بیرونی پاک می‌پردازند. و هرگز قلب پاک موجب بارور شدن میوه‌ی ناپاک بی‌حجابی نخواهد شد.»^۲ ﴿وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَإِيْخْرَجُ إِلَّا نَكِدًا﴾^۳

۱. همان.

۲. همان، ص ۱۴۳.

۳. اعراف، آیه ۵۸.

بخش دوم:

وظایف طلاب و حوزه‌های علمیه در رابطه با

حجاب و عفاف

فصل اول: وظایف فردی در رابطه با حجاب و عفاف

فصل دوم: وظایف اجتماعی طلبه در رابطه با

حجاب و عفاف

فصل سوم: وظایف حوزه‌های علمیه در رابطه

با حجاب و عفاف



فصل اول:

وظایف فردی طلبه در رابطه با حجاب و عفاف

طلبه و خود شناسی

اولین وظیفه طلبه، در راستای رعایت حجاب و عفاف، خویشتن شناسی می‌باشد، زیرا از امور لازم و ضروری برای رسیدن به هدف و کمال نهایی مقصد آفرینش است.

طلبه‌ای که خود را نشناسد، لاجرم در تشخیص کمال انسانی به خطا رفته و مسیر ضلالت و جهالت را در زندگی انتخاب می‌کند؛ لذا آگاهی به خویشتن از اصلی‌ترین پایه‌های نیکبختی و سعادت در طلبه است.

خود شناسی به معنای این است که انسان، مقام واقعی خویش را در عالم وجود درک کند، بداند که خاکی محض نیست؛ پرتویی از روح الهی در او هست، بداند که در معرفت می‌تواند بر فرشتگان پیشی گیرد. طلبه باید بداند که او آزاد و مختار است و مسئول خویش و مسئول افراد دیگر و آباد کردن جهان و بهتر کردن جهان می‌باشد.^۱

در این راستا، قرآن که سراسر عالم طبیعت و خلقت، حوادث، رخدادهای زمین و آسمان، تحولات و دگرگونی‌ها را علایم و نشانه‌های وجود مقدس پروردگار می‌شمارد، توجه خاصی به خودشناسی دارد و برای نفس انسان، حساب جداگانه‌ای باز کرده است و برای آیات انفسی؛ موقعیت خاصی

۱. ر.ک: احمد حسین، شریفی، آئین زندگی، قم، نشر معارف، ۱۳۸۵، ص ۱۹.



قایل شده است و در نکوهش کسانی که به خویشتن خویش نمی‌پردازند و آیات الهی درون خود را نمی‌بینند،^۱ می‌فرماید:

﴿وَنَفَىٰ أَنفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾^۲ و در وجود خود شما؛ آیاتی است، آیا

نمی‌بینید؟

هنگامی که طلبه به خود شناسی برسد، می‌تواند به کرامت‌ها و منفعت‌های خود آشنا شده و در رابطه با حجاب، بهتر بتواند در جامعه حاضر شود. یک طلبه و مبلغ دین، با توجه به فطرت و استعدادهایی که در درون او به ودیعه گذاشته شده، خود را درمی‌یابد و این هنگام می‌تواند غیر خدا را نیز بشناسد؛

چنانکه امام علی (علیه السلام) می‌فرمایند:

« كَيْفَ يَعْرِفُ غَيْرَهُ مَنْ يَجْهَلُ نَفْسَهُ »^۳ کسی که خود را نمی‌شناسد

چگونه غیر خود را تواند شناخت؟

طلبه با توجه به وجود خود و اوصاف جسمی و روحی که در وجودش دارد، درک می‌کند که او برگزیده خداوند و خلیفه الهی در زمین است که خداوند از روح خود در او دمیده و به خلقت او مباحثات و افتخار نموده است و عالم به اسمای حسناى الهی و دارای فطرتی خدا پرست است. آزاد و مختار

۱. ر.ک: محمدتقی، مصباح یزدی، خودشناسی برای خودسازی، قم، مؤسسه‌ی

آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، ۱۳۸۲، ص ۲۵.

۲. ذاریات، آیه ۲۱.

۳. عبد الواحد، آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ح ۶۹۹۸.



آفریده شده و امانت دار خدا و مسئول خویش و دیگران است.^۱

لذا طلبه وظیفه دارد که خویشتن را بهتر و بیشتر بشناسد و با آگاهی از خود، بتواند بهتر در جامعه حاضر شود.

طلبه و خود سازی

پرورش نفس و خودسازی از ضروری ترین امور است، زیرا سعادت دنیا و آخرت هر فردی بستگی به همین دارد و طلبه و روحانیون محترم باید به این امر توجه داشته باشند. روزی که یک طلبه خود را از خواسته‌های نفسانی‌اش بازداشت و از این راه خود را تزکیه و پاک نمود، وعده‌ی « جنة المأوی » به او داده می‌شود و این آیه قرآن در مقابل او می‌درخشد؛

﴿وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ

المأوی﴾^۲ و آن کس که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوا باز دارد، قطعاً بهشت جایگاه اوست.

خودسازی به طور کلی، پرداختن به خویش، شکل دادن و جهت بخشیدن به فعالیت‌های حیاتی و تصحیح انگیزه‌ها و در نظر گرفتن مقصد نهایی و جهت گیری فعالیت‌ها برای خداوند است، نه محدود کردن و متوقف ساختن فعالیت‌ها. خودسازی دارای مراحل و مراتبی است که بزرگان اهل

^۱. رک: مهدی، حائری تهرانی، شخصیت انسان از نظر قرآن و عترت، قم،

انتشارات بنیاد فرهنگی امام مهدی (عج)، ۱۳۸۷، ص ۱۰۸.

^۲. نازعات، آیه ۴۰ و ۴۱.



علم و ادب در کتب خود به تفصیل در این موارد سخن گفته‌اند. این مراحل به ترتیب: تفکر، عزم، مشارطه، مراقبه و محاسبه می‌باشد.^۱

غرض از خودسازی این است که هر طلبه ای بداند چگونه کوشش های علمی و عملی خود را تنظیم کند و آنها را به چه سویی سوق دهد تا در رسیدن به کمال حقیقی و فلاح و رستگاری موثر باشد.^۲

اگر خود طلبه تربیت نشود نمی تواند دیگران را تربیت نماید و لذا طلبه باید ابتدا به خودسازی و تهذیب نفس خویش بپردازد. آن چیزی که انسانها و جامعه را به هدایت می‌رساند، انحرافات اخلاقی است. یک طلبه هیچ‌گاه نباید به خود بگوید من زاهدم، من عارفم، من با حجابم و... چون این باعث حجاب بین خود و دیگران، می‌شود.

لذا یک طلبه، در زمینه‌ی حجاب و عفاف، ابتدا باید به خودسازی خویش بپردازد و به خدای متعال پناه برده تا نفس یا شیطان او را فریب ندهد و از آنچه وظیفه‌ی اوست بازدارد؛ و طلبه در این زمان در معرض تهاجمات فراوانی می‌باشد که باید با سلاح و وسیله‌ی خودسازی در برابر آنها قرار گیرد.

۱. رک: روح الله، موسوی خمینی رحمته الله علیه، چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و

نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۶۸، ص ۷.

۲. محمد تقی، مصباح یزدی، به سوی خودسازی، قم، مؤسسه آموزشی و

پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۸۰، ص ۲۱.



طلبه و حجاب کامل و آتم

یک طلبه، به عنوان کسی که بعد از پیامبر الهی ﷺ و ائمه معصومین (علیهم السلام)، هادی و هدایتگر مردم در جامعه می‌باشد، باید خود از همه لحاظ اخلاقی، رفتاری و... برتر و بهتر از دیگران باشد؛ لذا در زمینه حجاب و عفاف نیز باید آنقدر با احتیاط عمل کند که در جامعه مشخص شود و از نظر حجاب با زنان دیگر متفاوت باشد.

حال به چند نمونه از حجاب های غیر اسلامی اشاره می‌شود که از نظر فقها جایز نیست.

الف) حجاب های غیر جایز با چادر برای طلبه

۱- پوشیدن چادرهای نازک و بدن نما که موها، دست‌ها و یا اندام‌ها را از زیر نمایان می‌کند. این مورد حتی برای بانوان در جامعه هم جایز نیست، چه برسد برای طلبه؛ چون حجاب باید ضخیم بوده و دقیق و شفاف نباشد و غرض از حجاب هم، همان ستر است و اگر لباسی بدن را ستر نکند، حجاب خوانده نمی‌شود. بنابراین چادری مناسب حال بانوان و خصوصاً طلاب می‌باشد که گشاد بوده و تنگ و چسبان نباشد. چادرهای ساده ایرانی و چادرهای عربی، اگر جلو بسته باشند را می‌توان به عنوان بهترین حجاب معرفی کرد.

۲- پوشیدن مانتو یا لباس های رنگ روشن در زیر چادر، که هنگام مرتب کردن چادر، سوار شدن در اتومبیل، کرایه دادن و... باعث جلب توجه و جذب نگاه‌ها به طرف طلبه گردد.



بسیار در کوچه و خیابان شاید، شاهد این رفتار از سوی بانوان محجبه شده باشیم؛ شخصی را دیده که بسیار با حجاب و عفاف است، اما ناگهان برای مرتب کردن چادرش، آن را باز کرده و لباس جذاب او زیر چادر پیدا شده است. در چنین موقعیتی، نظر شخص بیننده بسیار جلب لباس و رنگ آن می‌گردد؛ لذا یک خانم طلبه، باید حواس خود را بیشتر جمع کند تا مبادا یک چنین موقعیتی برای او پیش آید و باعث جذب نگاه‌های نامحرم گردد.

۳- پوشیدن لباس آستین کوتاه یا پوشیدن چادر بدون روسری و

مقنعه

این کار ممکن است بسیار برای یک طلبه خطرناک باشد، چادرهای جدید که به بازار آمده، چون طرح جلوبسته و زیپ دار است و لباس زیر چادر مشخص نمی‌گردد، بیشتر بانوان در زیر چادر، لباس های آستین کوتاه استفاده می‌کنند و اکثراً بدون مقنعه آن را سر می‌نمایند؛ لذا شاید بر اثر سانحه یا حادثه ای در خیابان، این چادر از سر کشیده شود و یا کنار رود و بدن خانم نمایان گردد. بنابراین برای طلبه واجب است که خود را در زیر چادر هم بپوشاند تا دچار یک چنین وضعی نگردد.

(ب) حجاب های غیر جایز در مورد پوشش اندام

گاهی اوقات طلبه بدون اینکه خودش متوجه باشد، از لباسی استفاده می‌کند که در نظر عرف برای شخص روحانی، خلاف شأن محسوب می‌گردد. نمونه‌ای از این موارد عبارت‌اند از:

۱- پوشیدن جوراب های نازک که پوست پا را نمی‌پوشاند.



این مسأله شاید از نظر عموم مردم بسیار عادی باشد و رعایت نگردد، اما برای یک خانم طلبه که به عنوان الگوی بانوان دیگر جامعه است، باید بسیار مهم جلوه کند؛ چون او می داند که به فتوای تمامی علما، پوشیدن جوراب نازک در مقابل نامحرم، حجاب محسوب نمی شود و جایز نیست. پس نه تنها بدون جوراب در مقابل نامحرم راه نمی رود بلکه از پوشیدن جوراب نازک هم خودداری می کند تا دیگران به تأسی از او این کار را انجام دهند و متوجه حکم مسأله گردند.

۲- پوشیدن روسری یا مقنعه ای که زیر چانه را نپوشاند.

در آیات حجاب گفته شد که حد تعارف حجاب در مقابل نامحرم، دیده شدن گردی صورت و دست ها تا مچ است. البته در صورتی که زینت نداشته باشند. این مسأله برای عموم مردم و بانوان است؛ اما برای یک طلبه که در حوزه علمی درس خوانده و باید رفتارش نمونه ای از یک روحانی باشد، لازم است کمی بیشتر از این مقدار صورت خود را بپوشاند؛ پس بهتر است از مقنعه ای استفاده کند که کاملاً چانه اش را بپوشاند و از بالای سر هم کمی روی ابروها بیاید.

۳- پوشیدن آستین چه

گاهاً شاید در مکان های عمومی و یا وسایل نقلیه عمومی دیده شده که خانم ها به دلیل نپوشیدن آستین چه، ساق دستشان و زینت هایی که در دست دارند مشخص و آشکار گردد و باعث جذب نگاه ها به سمت خود دست، یا زینت آن می شود؛ لذا یک خواهر طلبه موظف است همیشه،



آستین چه، در دست کند و مراقب دیده نشدن اندامش گردد ، حتی اگر آستین مانتو یا لباسش بلند باشد، و با ماشین شخصی رفت و آمد دارد! زیرا احتیاط شرط عقل است.^۱

طلبه و آموزش حجاب در خانواده

بدون شک پیشگیری بهتر از درمان است. لذا برای هر نوع فرهنگ سازی، ابتدا باید از خانواده، فرزندان و کودکان شروع کرد و بسیاری از مطالب و مسائل اخلاقی را که در بیرون از خانه اتفاق می افتد را به آنان آموزش داد. زیرا حجاب و عفاف یک امر تربیتی مرتبط با خانواده است و تربیت خانوادگی در تثبیت فرهنگ حجاب و عفاف در اندیشه و روح افراد، نقش اصلی و عمده‌ای را ایفا می‌کند.

برای اینکه خانواده بتواند نقش تربیتی خود در زمینه حجاب را در بین دختران به خوبی نمایان نماید، طلاب در درجه‌ی اول باید از خانواده و دختران اقوام خویش شروع کنند و دلایل حجاب و آیات و روایات آن را به ایشان آموزش دهند.

۱. رک: محمد، شجاعی، در و صدف، صص ۱۸۱-۱۸۳.



فصل دوم :

وظایف اجتماعی طلبه در رابطه با حجاب و عفاف

حیات اجتماعی هر جامعه، به رواج ارزشها و کمالات معنوی بستگی دارد و مرگ آن به گسترش رذائل و از میان رفتن مکارم اخلاق. اهتمام مردم بر گسترش ارزشها، نشانگر سلامت جامعه است و رواج ضد ارزشها، حکایتگر بیماری آن. فرجام انسان‌های بی‌بهره از ارزشهای انسانی، زبونی و واماندگی است و مردمان بی‌تعهد در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی، ره به جایی نخواهند برد.

نگاهی به وظایف عالمان، گویای این نکته است که روحانیان، به عنوان وارثان انبیاء، در گسترش ارزشها، بزرگترین مسئولیت را دارند و جایگاه اجتماعی علما نیز وظیفه را دو چندان کرده است. تبیین و ترویج مکارم اخلاق، مهم‌ترین کار انبیا بوده و تزکیه‌ی نفوس، سر لوحه‌ی کارشان. سر تا سر صحف ابراهیم خلیل، حکمت و عبرت بوده و تشویق مردم به کمالات انسانی و بخش مهمی از تورات موسی^۱ و انجیل عیسی^۲ در بردارنده موعظه و نصیحت و مسائل اخلاقی.

۱. محمدبن حسن، طوسی (شیخ مفید)، الامالی، تحقیق موسسه البعثه، بیروت.

دارالثقافة، ۱۴۱۴ق، ص ۵۴۰.

۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۲۳۴.



اساسی ترین وظیفه و کار یک طلبه، تعلیم و هدایت و ارشاد افراد جامعه است و او به عنوان الگوی اسلام و تشیع می‌باشد و رفتار و گفتار او را به حساب اسلام و شیعه می‌گذارند و این همه، انگیزه او را به مراقبت در همه‌ی اعمال و افعال، بیش از پیش تقویت می‌کند و انجام وظیفه و رضایت خداوند را در رأس اهداف خود قرار می‌دهد. بدین وسیله نوعی تبلیغ و ارشاد و راهنمایی مردم به سوی خداوند صورت می‌گیرد.

یک طلبه، با حجابش، با عفاف و حیایش، با رفتار با متانت و وقارش، در جامعه بسیار می‌تواند در بین دختران و زنان جامعه، الگوی مناسبی باشد؛ اکنون به چند نمونه از وظایف و عمل طلبه در رابطه با برقراری حجاب و عفاف در سطح جامعه اشاره می‌گردد:

طلبه، حجاب و تقویت ایمان

عفاف و حجاب از نتایج و مظاهر ایمان و تقواست، بنابراین برای تقویت آن، باید در درجه‌ی اول به تحکیم ایمان و تقویت باورهای دینی جامعه که در حکم روح و ریشه‌ی اخلاق و رفتار آنان است توجه شود. از وظایف طلبه در راه هدایت و ارشاد بانوان بد حجاب جامعه، بعد از آگاه کردن و تذکر دادن به او، معتقد ساختن وی به مبانی اخلاقی و دینی است. تا زمانی که فرد به خداوند و حکیم بودن او و نیز به روز واپسین اعتقاد نداشته باشد، بسیار دشوار است که بتوان در وی اعتقاد رفتاری پایدار نسبت به حجاب پدید آورد.

اگر ایمان زن، استوار نباشد در پی سیراب ساختن حس محبت



خواهی، به شیوه های ناروا می گردد و خود و دیگران را به رنج می افکند. در مردان نیز، سستی ایمان گاه سبب دور شدن ایشان از غیرت می گردد. پس شایسته است که به موازات هدایت بانوان، در طریق تقویت ایمان و اعتقادات مردان هم کوشید تا ناخواسته عامل کم توجهی خانواده شان به حجاب نشوند.^۱

لذا، یک طلبه باید حساب شده وارد عمل گردد و ابتدا با آگاه سازی طرف مقابل، به پایه ریزی مبانی اعتقادی او بپردازد و سعی نماید تا آن جا که توان دارد او را راهنمایی و ارشاد نماید، زیرا انسان فطرتاً به دنبال خوبی هاست و شاید با یک پند کوچک و تلنگر (موعظه) هدایت گردد.

طلبه، حجاب و حضور در جامعه

معاشرت و ارتباط سازنده با دیگران، یکی از مهمترین و اصلی ترین نیازهای روحی و روانی است. طلبه در معاشرت با دیگران می تواند خود را بهتر بشناسد و ویژگی ها و توانمندی های خود را دریابد و به طور کلی، به تصویری درست و واقع بینانه برسد. معاشرت با دیگران یکی از بهترین ابزارهای تهذیب نفس و خودسازی است.^۲

طلبه ی محجبه ی خوش برخورد و خوش اخلاق، الگویی زیبا از فرهنگ غنی اسلام در اجتماع است که موجب خیر و نیکی است و برخورد

۱. نک: فتحیه، فتاحی زاده، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، ج ۳، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۱۸۶.

۲. ر.ک: احمد حسین، شریفی، آئین زندگی، ص ۱۲۲.



صحیح و زیبای او با دیگران بسیاری از تنش‌های بین افراد را می‌زداید.^۱

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«خَمْسٌ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ، لَمْ يَكُنْ فِيهِ كَثِيرٌ مُسْتَمْتَعٌ ... الدِّينُ وَالْعَقْلُ وَ

الْحَيَاءُ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ حُسْنُ الْأَدَبِ»^۲ پنج چیز است که اگر در کسی نباشد،

بهره‌ی زیادی در او نیست: دین و عقل و حیا و خوش اخلاقی و ادب.

«کلام نرم، رفتار شایسته، گفتار مؤدبانه و جاذبه دار، حجاب اتم و

کامل، تحمل فراوان، حلم و بردباری و چهره‌ی گشاده، از مظاهر و جلوه‌های

حسن خلق است. یک خواهر طلبه، هنگامی که با حجاب کامل در اجتماع

حاضر شود و در همین حین، برخوردی مؤدبانه و جاذبه دار داشته باشد و با

حلم و بردباری، با بی‌حجابان و بانوان کم حجاب جامعه برخورد نماید، بی‌شک

می‌تواند تأثیری مطلوب در رفتار و عمل آنان داشته باشد؛ زیرا که رفتار

شایسته و مؤدبانه، بهتر از گفتار بدون عمل در تغییر رفتار دیگران اثر

می‌گذارد. آن‌سی که میان طلبه با افراد و مردم صورت می‌گیرد، بسیار قیمتی و

بارزش است و این همان است که در سایه‌ی خوش اخلاقی پدید می‌آید که

حلقه‌ی وصل دلها و وسیله‌ی انتقال و تشویق به سوی آئین حقیقی اسلام

می‌باشد و راهی برای تبلیغ مفهوم دین و قرآن است».^۳

۱. ر.ک: محمد علی، خادمی کوشا، جوان در پرتو اهل بیت :: قم، بوستان

کتاب، ۱۳۸۲، ص ۱۵۸.

۲. -محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۳۶۹.

۳- جواد، محدثی، اخلاق معاشرت، ص ۴۷.



به هر حال چنین واقعیتی وجود دارد که حوزویان و طلبه‌ها، پرچمدار حفاظت از دین و آئین اسلام هستند و آن‌ها هستند که با رعایت حجاب کامل خود و با برخورد خوب و معاشرت زیبا می‌توانند در اجرای حجاب، برای بانوان موفق باشند و رسالت خویش را به صورت کامل انجام دهند.

طلبه، حجاب و صله‌ی رحم

طلبه برای اینکه بتواند در زمینه حجاب و عفاف کار کند، و بهتر آن را در بین مردم رواج دهد و بتواند به عنوان الگو در این زمینه قرار گیرد، وظیفه دارد در ابتدا از خانواده و اقوام خویش شروع کند و مبدا به خاطر بعضی از آنها که حجاب درستی ندارند، از رفت و آمد با ایشان برحذر گردد، بلکه باید ارتباط خود را با این گونه افراد بیشتر نموده و به صله رحم بپردازد. در قرآن و روایات سفارش بسیاری نسبت به صله‌ی رحم و پیوند با خویشاوندان شده و از قطع رحم و بریدن از ایشان نکوهش بسیار شده است.

قالَ ابو عبد الله عليه السلام:

«... فَتَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِالْبِرِّ وَصَلِهِ الرَّحِمِ»^۱

حضرت امام صادق عليه السلام فرمودند: ... با نیکوکاری و صله رحم به خداوند تقرب جوئید.

خداوند متعال در این رابطه می‌فرماید:

۱. محمدباقر، مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، باب ۳۰، ح ۶.



﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾^۱

پروا کنید از خدایی که به نام او از هم درخواست می‌کنید و درباره خویشان کوتاهی نکنید که همانا خداوند مراقب شماست.

کوتاه سخن این که قرآن نسبت به قاطعان رحم و برهم زندگان پیوند خویشاوندی، تعبیرات شدیدی دارد، و احادیث اسلامی نیز آنها را سخت مذمت کرده است.

در روایات نیز تأکید و توصیه بر صله‌ی رحم شده و سیره‌ی معصومین : گویای این امر بوده و یک روحانی که مبلغ روش و سیره معصومین : می‌باشد، خودش در مرحله‌ی اول باید عمل‌کننده به دستورات ایشان باشد.

یک طلبه و مبلغ دین باید توجه کند که وظایفش نسبت به خویشان، انواع و اقسامی دارد. صله از خویشان، آن است که انسان از حیث مادی به وضع اقتصادی آنان و از حیث معنوی به زیارت آنها برسد. صله‌ی رحم، نفع‌رسانی به آنان و وجوب انفاق و احساس در گرفتاری می‌باشد که دارای مراتب متفاوتی می‌باشد^۲

۱. نساء، آیه ۱.

۲. ر.ک: محسن، کتابچی، آیین زندگی از دیدگاه امام رضا (ع)، مشهد، نشر

الف، ۱۳۸۱، ص ۲۱۶.



طلبه، حجاب و امر به معروف و نهی از منکر

یک طلبه با توجه به احادیث و روایات فراوانی که در این مورد از ائمه معصومین به ما رسیده، اهمیت آن را درک می کند و جای هیچ عذر و بهانه‌ای برای ترک آن یا اهمال و سستی در اجرای آن باقی نمی‌گذارد.

به تعبیر برخی از نویسندگان، فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر، بیانگر نفی خیر خواهی انحصاری است. با توجه به این فریضه هیچ مسلمانی اخلاقاً نمی‌تواند فقط به دنبال خیر خود باشد؛ بلکه بر او واجب است که دیگران را نیز به خیر خود دعوت کند و از شر آگاه سازد.^۱

قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید:

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾^۲

مردان و زنان با ایمان، ولی و یار یکدیگرند. امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، نماز را به پا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند؛ به زودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد و خداوند توانا و حکیم است.

طلبه، در حوزه حجاب و عفاف، باید امر به معروف و نهی از منکر را

^۱. رک: احمد حسین، شریفی، آئین زندگی، ص ۱۴۴.

^۲. سوره توبه، آیه ۷۱.



وظیفه هدایت اجتماعی و سیاسی خود در عصر غیبت بدانند و سعی نمایند تا همیشه در معرفی احکام دین و ارزش های الهی تلاش کند تا بانوان جامعه، حقیقت را بشناسند و از ترفند و حيله دشمنان غافل نشوند.

امیر المؤمنین (علیه السلام) در این زمینه می فرمایند:

«فَرَضَ اللَّهُ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَوَامِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعاً لِلْسُّفَهَاءِ»^۱

امر به معروف را برای اصلاح توده های ناآگاه و نهی از منکر را برای بازداشتن بی خردان از زشتی ها واجب کرد.

شایان توجه است که در انجام این فریضه الهی، دلسوزی، حسن نیت و پاکی هدف را نباید فراموش نمود و جز در موارد ضرورت، باید انجام آن از راه های مسالمت آمیز و محترمانه باشد، همچنانکه سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) هم نشان می دهد که آنان به هنگام اجرای این دو فریضه، آنها را با نهایت لطف و محبت می آمیختند و به همین دلیل سرسخت ترین افراد به زودی در برابر آنها تسلیم می شدند.^۲

لذا ملایمت و محبت و محترمانه انجام دادن این دو فریضه باید قابل توجه طلاب عزیز قرار گیرد تا ایشان برای ارشاد بانوان به رعایت حجاب و عفاف، دست به گریبان امور خشونت آمیز نگردند و از راه مسالمت آمیز نهی از منکر را انجام دهند.

۱. محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، قم، الهادی، ۱۳۸۹، ص ۶۸۳.

۲. رک: ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه،

۱۳۸۳ ج ۳، ص ۶۰.



طلبه باید سعی کند حالت امر به معروف کردنش جنبه ای دوستانه و مشفقانه داشته باشد تا خدای نکرده دافعه ایجاد نکند پس در گام اول سعی کند دوست باشد. می تواند با آداب پسندیده ای همچون هدیه دادن کتب مفید در این زمینه، تشویق وی برای شرکت در جلساتی که به آگاه سازی این افراد در خصوص احکام الهی کمک می کند و ... وی را در راه رسیدن به حقیقت حکم الهی حجاب کمک کند. مخصوصاً سعی کند الگوهای مفید و دوستانه ای برای کودکان و نوجوانان باشد که این باعث میشود در دراز مدت اثر خود را بگذارد.

طلبه، حجاب و آراستگی

از دیگر وظایف طلبه در قبال جامعه، در حوزه ی حجاب و عفاف، رعایت آراستگی ظاهری است. آراسته بودن ظاهر یک طلبه به معنای داشتن نظافت و بهداشت، نظم در لباس پوشیدن، سرو صورت آراسته و... می باشد. شمایل ظاهری طلبه و روحانی باید همچون پیامبر اکرم ﷺ متوازن، آراسته، خوش نما، پاکیزه، جذاب، معطر و بدون عیب باشد.

در حدیثی ایشان می فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ عَبْدَهُ إِذَا خَرَجَ إِلَى إِخْوَانِهِ

أَنْ يَتَهَيَّأَ لَهُمْ وَيَتَجَمَّلَ»^۱

خداوند دوست دارد که بنده اش هرگاه به سوی برادران دینی اش

^۱. رضی الدین، حسن ابن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، بیروت، علمی،



بیرون می رود، خود را برای آنان مرتب و آراسته سازد.

طلبه باید در هنگام خروج از منزل ، در انتخاب طرح، رنگ یا جنس لباسش و همچنین کیف و کفشش، دقت لازم را مبذول دارد و به گونه ای عمل نکند که دیگران به دیده ی تحقیر یا تمسخر به او نگاه کنند.

لذا لازم است که خواهر طلبه، در عین رعایت کامل حجاب خود، ظاهری آراسته و باوقار داشته باشد و از پوشیدن لباس ، مانتو و چادر چروکیده اجتناب کند و همیشه سعی نماید که مانتو و چادری که استفاده می کند مرتب و اتو زده باشد تا باعث جذب بانوان بد حجاب گردد.



فصل سوم:

وظایف حوزه های علمیه در رابطه با حجاب و عفاف

حجاب از ضروریات دین است و حوزه های علمیه نیز در برابر دین مردم در پیشگاه خداوند متعال مسؤول هستند، روحانیت وظیفه دارد مردم را به سمت مسایل معنوی سوق دهند، حال آنکه یکی از مصادیق معنویات توجه به حجاب و عفاف است.

حوزه آنچنان که شایسته است در این بحث ورود نکرده، هرچند علما، مراجع و ائمه ی جمعیه ی کشور در حد تذکر و نصیحت به این موضوع پرداخته اند. لذا حوزه های علمیه با ورود در این بحث می توانند خلأهای موجود را برطرف کرده و در راستای فرهنگ سازی و ارتقاء معلومات دینی نسل جوان، گام بردارند.

حوزه ی علمیه، نگهداری و حراست از حجاب اسلامی

نگهداری و حفظ دین از انحرافات و تحریف ها، یکی از وظایف مهم انبیاء است که بعد از آنان در متون اسلامی از فقها به عنوان مرزبانان و دژهای محکم دین یاد شده است. علمای دین و طلاب نیز همین نقش را دارند.^۱ شایان ذکر است که حوزه های علمیه با تربیت طلاب محجبه و عقیف،

^۱. ر.ک: منصور، علم الهدی، در آمدی برشناخت حوزه و روحانیت، قم،



و با توجه به آیات حجاب که در قرآن کریم ذکر شده، از طریق رعایت حجاب و عفاف برتر خود می تواند به پاسداری و حراست از دین و شریعت و حجاب اسلامی خویش بپردازند.

حوزه‌ی علمیه و تبلیغ دین

تبلیغ دینی یکی از راه‌های مهم برای ترویج فرهنگ عفاف و حجاب است و علما باید به زبان قوم صحبت کنند، همان‌گونه که کشورهای دیگر در ترویج فرهنگ خود از ابزارهای مختلف و امکانات گسترده‌ای استفاده می‌کنند، طلاب علوم دینی نیز باید برای مخاطبان و گرسنگان معارف دینی غذاهایی متناسب با ذائقه‌ی آنها فراهم کنند. آنان باید در زمینه ترویج و تبلیغ حجاب، عفاف و حیا گام بردارند. همان‌طور که فقها در مسأله کفن و دفن و مسائل مبتلابه دیگری که کمتر مورد ابتلای جامعه است، وارد شده و جزئیات آن را مورد تبیین قرار داده‌اند، در بحث مهمی مانند حجاب که نمایشگر فضای حاکم بر اجتماع و در سلامت و عدم سلامت آن موثر است، به طور جدی وارد شوند و به واکاوی جزئیات آن بپردازند.

حوزه‌ی علمیه و ارائه الگوهای مناسب دینی

خصیصه‌ی کمال‌گرایی باعث می‌شود تا انسان تلاش کند که خود را به کسانی که مظهر کمال هستند نزدیک سازد و صفات آنان را کسب کند. یکی از عوامل سازنده جامعه - بخصوص نسل جوان، الگوها هستند و تربیت الگویی در نظام پرورشی اسلام به صورت یک اصل مثبت پذیرفته شده است.



ضروری است هدایتگران و عالمان دینی در تمام ابعاد زندگی سعی کنند از مصادیق «لم تقولون ما لا تفعلون» نباشند. و رفتار و کردار و زندگی خانوادگی شان برای توده مردم الگویی رهگشا و به سوی فرهنگ قرآن و اسلام باشد.

لذا یکی از وظایف دیگر حوزه ها و طلاب علوم دینی، ارائه الگوهای مناسب و اسوه های حسنه و هدایت عملی مردم قبل از ارشاد به وعظ و خطابه است. تربیت انسانهای تکامل یافته و خودساخته و متخلص به اخلاق الهی به مصداق حدیث شریف ﴿كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ﴾ از وظایف ضروری آنهاست.

حوزه های علمیه بسیار خوب می توانند در زمینه ی حجاب و عفاف با ارائه ی الگوهای مناسب در جامعه، به تأثیر گذاری در میان بانوان پرداخته و زمینه الگوگیری آنان را فراهم نمایند. بهترین الگو، الگوی برخاسته از متن اسلام است.^۱ زیرا اسلام جامع ترین آیین نامه و دستورات دینی را دارد و باید الگویی مقتضی، ویژگی های خود را ارائه دهد.

از بهترین نمونه های رعایت عفاف در قرآن که به عنوان الگو برای تمام جهانیان می باشند و نامشان، هم در قرآن و هم در سنت آمده است، از این قرار می باشد:

در قرآن: حضرت یوسف عليه السلام، حضرت موسی عليه السلام و حضرت مریم عليها السلام را بهترین الگوی عفاف و پاکدامنی معرفی میکند.

^۱. محسن، قرائتی، پوشش زن در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۸.



در روایات ائمه معصومان: حضرت فاطمه علیها السلام، حضرت زینب علیها السلام، حضرت رقیه علیها السلام و حضرت ام کلثوم علیها السلام را الگوهای عفاف و حجاب معرفی کرده اند. در این زمینه امام خمینی: «الگو، حضرت فاطمه علیها السلام است، الگو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است»^۱.

در تاریخ نقل کرده اند که حضرت فاطمه علیها السلام وقتی می خواستند بیرون نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بروند، از پوشش خاصی به نام جلباب (چادر) و برقع (روبند) استفاده می کردند.^۲ حضرت زینب علیها السلام را احدی از مردان در زمان امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام ندیده بودند، تا روز عاشورا که در برابر دشمنان قرار گرفت.^۳

در هر عصر و زمانی کسانی بوده و هستند که از لحاظ انجام کاری شایسته، الگو برای دیگر عصرها و زمان ها می باشند. حال در جامعه کنونی که رعایت حجاب و عفاف در میان بانوان بسیار کم رنگ شده و به بهانه های واهی، در پی از زیر بار در رفتن می باشند؛ وظیفه ی طلاب بسیار سخت تر و شدیدتر شده تا با رعایت حجاب کامل خود و حضور در اجتماع به تبلیغ دین برخاسته و از انحراف زنان و دختران جلوگیری کنند.

۱. روح الله، موسوی خمینی رحمته الله علیه، صحیفه ی نور، تهران، بنیاد حفظ و نشر آثار امام، ۱۳۶۸، ج ۷، ص ۱۷

۲. حسین مهدی زاده، حجاب شناسی، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه، زمستان ۱۳۸۱، ص ۷۲.

۳. محمود اکبری، برای ریحانه، گلستان ادب، زمستان ۱۳۸۲، ص ۱۵۲.



حوزه‌ی علمیه و استفاده از دانش ارتباطات و تبلیغات

درحالی که دانش ارتباطات اجتماعی در این دو دهه با شتاب، گام‌های بلندی برداشته است، متأسفانه روش‌ها و تکنیک‌های ما در امر تبلیغات ضعیف و عقب مانده است .

استفاده از ابزارهای مختلف رسانه‌ای برای ترویج فرهنگ عفاف و حجاب بسیار حائز اهمیت است . زیرا دشمنان برای انحراف و ترویج بی‌حجابی و بی‌بند و باری و ابتذال در جامعه فیلم می‌سازند و کتاب می‌نویسند. بنابراین برای مقابله با توطئه‌ی دشمنان، حوزه‌های علمیه می‌توانند با استفاده از طلاب ادیب و با نوشتن سناریو و فیلم‌نامه‌های مذهبی که در آنها از داستان‌های حجاب استفاده شده و همچنین صدا و سیما و نهادهای فرهنگی باید برای همه اقشار جامعه و متناسب با آنها فرهنگ سازی کنند، و چه خوب است که علماء و روحانیون، با روانشناسی ارتباطات آشنایی پیدا کنند و با استفاده از شیوه‌های مناسب نفوذ کلام به تبلیغ در جهت احیای حجاب و عفاف در جامعه بپردازند.

حوزه‌ی علمیه و فعال کردن مساجد

مردم بسیاری از کشورهای همسایه‌ی مسلمان، با تمام مشکلاتی که دارند و با وجود تبلیغات ضد دین غربیان هنوز پایبند و معتقد به دین و مذهب هستند. و این در حالی است که بسیاری از مساجد از وجود روحانی محروم هستند و گاهگاهی تعدادی از مساجد از نوارهای سخنرانی و روضه



برای رفع این کمبود استفاده می‌کنند.

لازم است که علما در این امر نقش فعالی داشته باشند و دل‌های تشنه‌ی معنویت مردم را سیراب گردانند. تجربه ثابت کرده است که هر محله و مردمی که علما و روحانیون آنها نقش فعالی داشته‌اند مردم آنها از نظر دینی و اعتقادات و مسایل تربیتی سالم‌تر بوده‌اند.

پس بنابراین لازم و ضروری به نظر می‌رسد که روحانیون و طلبه‌های خواهر با حجاب برتر خود جهت تبلیغ در امر حجاب و دادن مشاوره‌ی دینی به بانوان، به مساجد مختلف در سطح شهر رفته تا بتوانند به جذب نیرو پرداخته و جهت پررنگ‌تر نمودن حجاب و عفاف بانوان و خصوصاً جوانان مثمر ثمر گردند.

حوزه‌ی علمیه و دفاع از حریم دین و مقابله با انحرافات

این مورد، اساسی‌ترین کار روحانیت و حوزه‌های علمیه تلقی می‌شود. رسالت عظیم حوزه‌های علمیه در حفظ دین و مقابله با انحرافات بوده است که خود مهمترین برنامه در امور فرهنگ سازی است، زیرا حفظ فرهنگ دینی از هر گونه گزندی و ارائه‌ی درست آن، خود یک نوع فرهنگ سازی است. امام امت در این باره فرمودند: «تردیدی نیست که حوزه‌های علمیه و علمای متعهد در طول تاریخ اسلام و تشیع، مهمترین پایگاه محکم اسلام در برابر حملات و انحرافات و کجرویها بوده‌اند»^۱ طلاب و روحانیان حوزه‌های علمیه،

۱. روح الله، موسوی خمینی رحمته الله علیه، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۸۹.



باید با برنامه ریزی مناسب، مبانی نظری و پژوهشی مقوله حجاب و عفاف را استخراج کنند و به دنیا عرضه نمایند و در مقابل انحرافات و بی‌حجابی مقابله نمایند.

حوزه‌ی علمیه و فراهم نمودن زمینه‌های جامعه‌پذیری صحیح

جامعه‌پذیری یعنی آشنا شدن و خو گرفتن یک فرد با ارزش‌های جامعه‌ی خویش، به گونه‌ای که در طی آن آشنایی، این فرد قانون مند می‌گردد. بنابراین جامعه‌پذیری همان انتقال فرهنگی است که یک فرد خصوصاً در سنین پائین، اندیشه‌ها و باورهای را که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به او داده می‌شود، اخذ نموده و با آن خود را شکل و قالب می‌بخشد.^۱ حوزه‌های علمیه و علمای دینی با مکانیزم‌هایی، همچون وعظ، خطابه و تبلیغ، موظف به فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای متعالی اسلام در ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و غیره هستند. مبنای طلاب در حوزه‌های علمیه باید احیاء، اعمال و ترویج شعائر اسلامی باشد؛ زیرا حیات و عظمت جامعه اسلامی به آن بستگی دارد.^۲

۱. ر.ک: گابریل، آلموند و دیگران، چهار چوب نظری برای بررسی سیاست

تطبیقی، ترجمه، علیرضا طیب، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۷،

فصل ۳.

۲. ر.ک: علی اصغر، الهامی نیا و غلام عباس طاهر زاده، اخلاق عبادی، قم،

افق فردا، چاپ دوم، ۱۳۷۹، ص ۱۵۵.



لذا حوزه‌های علمیه برای احیای فرهنگ حجاب و عفاف در سطح جامعه و گسترش این مقوله در بین خصوصاً بانوان، با وعظ و خطابه و عمل به دستورات دین و رعایت حجاب کامل خویش، می‌توانند افراد را تحت تأثیر این رفتار اجتماعی قرار داده و در جامعه‌پذیر شدن بهتر آنان، گام بردارند.

حوزه‌ی علمیه و فراهم آوردن زمینه برای اجرای احکام حجاب

یکی دیگر از وظائف حوزه‌های علمیه و نقش انکار ناپذیر آن در فرهنگ سازی جامعه، فراهم آوردن زمینه برای اجرای احکام اسلامی است. این رسالت که به نوعی فرهنگ سازی و نهادینه شدن ارزش‌های دینی تلقی می‌گردد، کراراً از سوی امام امت؛ مورد تأکید قرار می‌گرفت، ایشان در جمله‌ای فرمودند:

«خلاصه کلام اینکه ما باید بدون توجه به غرب حيله گر و شرق متجاوز و فارغ از دیپلماسی حاکم بر جهان در صدد تحقق فقه عملی اسلام برآییم و الاّ مادامی که فقه در کتاب‌ها و سینه‌ی علما مستور بماند، ضرری متوجه جهان‌خواران نیست.»^۱ حوزه‌های علمیه در این رابطه، باید تمام همت و تلاش خویش را بکار برند تا بتوانند احکام فراموش شده‌ی اسلامی را در رابطه با حجاب و عفاف، که از دل قرآن؛ کلام خداوند در آمده، به مردم آموزش دهند و دل آنان را با این فرمایشات ناب، همچون آیین صیقل داده و آنان را جهت به اجرا در آوردن هرچه بهتر احکامی همچون: حد حجاب و پوشش

۱. روح الله، موسوی روح‌مینی رحمته الله علیه، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۹۰



بانوان در منزل و در جامعه، احکام محرم و نامحرم، احکام نگاه و ... یاری رسانند.

حوزه‌ی علمیه و ترویج اخلاق حسنه

بسیاری از میراث‌های ماندگار فرهنگی- دینی ما مدیون حوزه‌های علمیه و روحانیت شیعه است. کتاب‌های بزرگی نظیر، مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، اصول کافی، کلینی، من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، بحارالانوار، تهذیب الاحکام، و صدها جلد کتاب دیگر که همگی آن، سرشار از اخلاق، معنویت و خودسازی و راهنمای عمل برای زندگی می‌باشند^۱، بزرگترین نشانه بر فرهنگ ساز بودن حوزه‌های علمیه قلمداد می‌گردد و از همین جاست که می‌توان با قاطعیت اعلام نمود که بخش عمده‌ی آثار مکتوب در عرصه‌ی فرهنگ، متعلق به روحانیت است.

اکنون پس از قرن‌ها طلوع خورشید اسلام، روحانیت در پرتو محوریت دینی خویش توانست، انبوه مردم دین خواه را به دنبال خود گسیل دارد و بالاخره؛ هدایت و اجرای یک انقلاب مبتنی بر دین را بر عهده بگیرد. ترویج اخلاق حسنه ابتدا در درون اساتید و طلاب در حوزه‌های علمیه و سپس در میان طلاب و مردم در سطح اجتماع، یکی از پرافتخارترین وظایفی است که طلبه در جامعه دارد و مطابق با شأن وی نیز می‌باشد. لذا یک طلبه با اخلاق

^۱. مرتضی، مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، چاپ صدرا، ۱۳۷۳.



حسنة و حجاب كامل خويش، مي‌تواند به راحتي بر دل‌هاي سخت بعضي از بانوان غير محجبه نفوذ كرده و از همين طريق نيز سعي در ترويج فرهنگ حجاب نمايد و در اين زمينه موفق گردد.

بخش سوم:

آثار و نتایج رعایت حجاب و عفاف طلاب

فصل اول: آسیب‌شناسی حجاب و عفاف طلبه

فصل دوم: آثار و نتایج فردی و اجتماعی رعایت حجاب و

عفاف طلبه



فصل اوّل:

آسیب شناسی حجاب و عفاف طلبه

همه می‌دانند که هر کسی و هر شغلی یک سری شئونات مرتبط دارد که باید به آن ملتزم باشد و رعایت نکردن آن، باعث ایجاد بدبینی به شخص و یا حتی شغل وی می‌شود. نکته‌ی متمایز در میان طلبگی و دیگر سمت‌های جامعه این است که، وقتی عالمی کاری خلاف شئونات طلبگی انجام می‌دهد این اشتباه او به جای اینکه فقط گریبانگیر خودش شود؛ بیشتر گریبان همه‌ی طلاب را می‌گیرد و طلبگی و روحانیت را بدنام می‌کند.

این مساله در مشاغل و سمت‌های دیگر جامعه به این شکل نیست و بسیار کمرنگ‌تر است. جایگاه رفیع روحانیت که آمیخته با معنویت و دین و انسانیت است، توقعی دو چندان در میان مردم ایجاد می‌کند. روشن است که حجاب و عفاف از مسایل مهم و مسلم شرعی است، هم برای مرد، هم برای زن، البته در مورد زنان از ویژگی‌های بیشتر و تأکید بالاتری برخوردار است. نوع پوشش مرد و زن نیز با هم فرق می‌کند.

خواهری که حوزوی به شمار می‌آید، در هر جای کشور و دنیا که باشد در مقایسه با خانم‌های دیگر وظایف سنگین‌تری دارد. او و دیگران مثل هم نیستند. در مسأله حجاب، خواهری که درس خوانده‌ی حوزه و منتسب به حوزه است از ویژگی و تکلیف خاصی برخوردار است. این وظیفه نسبت به



خواه‌ری که طلبه نیست، تشدید می‌شود.

در مدارس و حوزه‌های علمیه، گاه‌آ دیده می‌شود که مدیران مدارس هرکدام در نوع پوشش طلاب اصول و مقررات خاصی را مد نظر دارند، این کار شاید باعث سردرگمی طلاب جوان گردد. چون هریک از مدیران معظم، بر اساس نظریات خود این قواعد را به رشته‌ی تحریر در می‌آورند.

به عنوان مثال: مدیران برخی مکاتب در مسئله‌ی رو گرفتن اینطور بیان می‌کنند که باید روگرفتنها، مقداری بیش از اندازه‌ای باشد که در فتوای مشهور میان فقها واجب دانسته شده است. باز بودن وجه و کفین در این محیط قابل قبول نیست، البته پوشیه را توصیه نمی‌کنند؛ زیرا علاوه بر این که ظاهراً دلیل شرعی بر لزوم چنین حجابی وجود ندارد؛ چنانچه خانم‌های حوزوی و خانواده‌های روحانی پوشیه را حجاب لازم معرفی کنند، چون این نوع حجاب برای بسیاری از خانم‌های دیگر غیر قابل تحمل است، خواهند گفت: اگر حجاب اسلامی این است، ما چنین حجابی را نمی‌توانیم تحمل کنیم! پس بگذار حجاب ما غیر اسلامی باشد و می‌روند سراغ بی‌مبالاتی! واقعیت این است که برای اکثریت زنان پوشیه به دلایلی قابل تحمل نیست، لذا پوشیه را توصیه نمی‌کنند، ولی رو گرفتن‌های مجاز رساله‌ای هم برای امثال طلاب و خانواده‌های روحانیون، قابل قبول نیست و نمی‌توان گفت وجه و کفین استثناست و می‌توان با باز بودن آن به خیابان آمد.

مانتو، روسری و مقنعه هم نباید با رنگ‌های جذاب باشد، چون این‌ها بالاخره در تردها نمایان می‌شود و موجب اشکال است. شلوارهای لی و جین



و امثال آن هم همین اشکال را دارد. جوراب باید ضخیم باشد. جوراب‌های نازک حتی برای خانمی که شلوار می‌پوشد، مناسب نیست. کفش‌های مد با رنگ‌های روشن نیز محل اشکال است به خصوص کفش‌هایی که پاشنه‌های صدادار دارند.

خواهرانی که با حوزه ارتباط دارند به طور جدّی باید از این گونه امور اجتناب نمایند. اما در مورد ماشین داشتن و رانندگی کردن، بعضی از حوزه‌های علمیه حتی رانندگی را هم برای طلاب خواهر، مجاز نمی‌دانند.^۱ اینگونه موارد را شاید بتوان به عنوان آسیب در حوزه در رابطه با حجاب و عفاف دانست، اما آسیبهای دیگری نیز هستند که بسیار در این مورد حائز اهمیت می‌باشند. زیرا اصلی‌ترین کاری که دشمنان انبیاء در هر اجتماعی می‌کنند، تأثیر در اندیشه‌ها و سپس تغییر ارزش هاست. بد حجابی در جامعه‌ی کنونی یکی از هجمه‌های دشمنان در کشور ماست که طی هجوم فرهنگی وارد ایران شده است این هجوم فرهنگی در هر زمانی متناسب با شرایط آن زمان انجام می‌گیرد.

تهاجم فرهنگی

منظور از تهاجم فرهنگی: تلاش افراد یا جوامعی است که به قصد

۱. گزیده‌ای از سخنان مدیر محترم جامعه‌الزهرا (س) حضرت حجة الاسلام والمسلمین طباطبائی دام ظلّه در جمع خواهران مسؤول بخش‌ها و واحدهای مختلف جامعه‌الزهرا (س) ۱۳۸۶/۸/۳.



عوض کردن یا دگرگون کردن فرهنگ جامعه‌ی دیگری، انجام می‌شود؛ تهاجم فرهنگی در رابطه با حجاب، در سه محور صورت می‌گیرد^۱:

بینشها و باورها

ارزش ها و گرایش ها

رفتار و کردار

طلبه باید توجه داشته باشد که بیگانگان برای از بین بردن باورهای دینی ما ، مانند اعتقاد به خدا ، معاد ، وحی ،فرشته و معنویات می گویند « اینها افسانه و خیالبافی است »، انسان باید واقع بین باشد ، اثباتی فکر کند ، اعتقاد به ماوراء طبیعت و آنچه نا محسوس است، داشته باشد.امروزه دشمنان سعی دارند تا پای بندی ما را نسبت به ارزش ها سست کنند ، لذا می گویند: ارزشها اعتباری است ، یک روز مردم به چیزی دل می بندند و روز دیگر به چیز دیگر^۲.

در زمینه‌ی عمل ، مهاجمان فرهنگی مردم را به تبعیت از خواسته‌های خود نیز وادار می کنند.به عنوان مثال ، برای از بین بردن هویت ملی ما و تبلیغ فرهنگ خود ، اقدام به ترویج مد می کنند. لذا لباس هایی وارد بازار می شود که منقش به تصاویر حیوانات و خط بیگانه باشند. بدین وسیله و با

۱. عبد الجواد، ابراهیمی، تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنرانی‌های محمدتقی مصباح یزدی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ،؛۱۳۸۹،

ص ۷۲

۲. همان.



استفاده از خود مردم ، سعی در اشاعه ی فرهنگ ، خط ، زبان و علم خود دارند.

طلبه باید بداند که مهمترین نقطه‌ای که مورد هجوم فرهنگی دشمن قرار می گیرد ، مراکز فرهنگی است. مراکز فرهنگی در جامعه‌ی ما حوزه و دانشگاه است. دشمن برای اینکه به اهداف خود برسد، و بتواند به راحتی به ترویج بدحجابی بپردازد، این دو مرکز مهم را نشانه می گیرد تا بتواند این دو را که برای جامعه‌ی ما بمنزله‌ی روح و جسم هستند از یکدیگر جدا کند ، راه تحقق آن نیز به این صورت است که آنها را بر علیه یکدیگر تحریک می کند تا هر کدام خود را بر حق بدانند و از این راه ارزش دیگری را نادیده بگیرند.

متأسفانه اکنون برخی از حوزویان و برخی از دانشگاهیان ما ، خواسته یا ناخواسته ، در این مسیر حرکت می کنند و گاهی با چشم و هم چشمی‌های نامتعارف در زمینه خرید لباس، لوازم منزل و ... از آن شأن طلبگی که از قدیم الایام مردم از یک طلبه انتظار داشتند، دور شده که این خود می تواند مقدمه‌ی پیروزی دشمن در این تهاجم باشد.^۱

راه های نفوذ فرهنگی دشمن و آشنایی طلبه با آن ها

مسلماً دشمنان ما می خواهد با اسلام و انقلاب مبارزه کنند. برای ما نیز به عنوان یک طلبه باید روشن شود که آنها می خواهند از چه راههایی نفوذ کنند و مسئولیت ما چیست.

^۱. همان، ص ۸۰.



با توجه به آنچه ذکر شد، دو راه نفوذ وجود دارد که هر دو نیز مبتنی بر اصول روان شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی است، یکی راه سطحی که بیشتر در عوام مردم مؤثر است و زود به نتیجه می‌رسد و دیگری راه ریشه‌ای و بنیادی است که در دراز مدت به نتیجه رسیده و در مبانی شناخت، فکر و آگاهی مردم اثر می‌گذارد.

الف) راههای ریشه‌ای

ترفندهای دشمنان، در این روش، مستقیماً مورد توجه عموم مردم نیست، بلکه دشمن ابتدا، متوجه قشر تحصیل کرده، دانشگاهی و یا حتی حوزویان شده و سعی می‌کند از طریق آنها به طور غیر مستقیم در طبقه تحصیل کرده و ممتاز جامعه تأثیر بگذارد، تا کم‌کم آثار آن به سایر مردم نیز سرایت کند. طلاب و علماء در این مورد خطیر باید بسیار محتاطانه عمل نمایند تا مبدا دشمن بتواند در آنان رسوخ کرده و جامعه را بدلیل الگوپذیری از خویش به تباهی کشانند.

ب) راههای سطحی

دشمنان برای اینکه در رسیدن به اهداف خود تسریع کرده باشند، برای عوام مردم نیز برنامه ریزی می‌کنند، با استفاده از روش‌های گوناگون روان‌شناسی، برنامه‌های رسانه‌های گروهی بخصوص تلویزیون را تحت تأثیر فرهنگ خود قرار می‌دهند، تا آنجا که برنامه‌ریزان، طراحان و مجریان ما



خواسته یا ناخواسته از فرهنگ بیگانه متأثر می گردند و اغلب برنامه های آنها را اجرا می کنند. و چه بسا دیده شده که مجریان و بازیگران ما که تحت تأثیر فرهنگ اروپایی در آمده اند، و آن فرهنگ را برگزیده اند، با چه وضع و پوشش زننده در مقابل دوربین حاضر میگردند، و در این رسانه ملی به ایفای نقش می پردازند.

دشمنان در این روش خود تاکنون آنچنان موفق بوده اند که حتی توانسته اند در خانواده های متدین و مذهبی نیز نفوذ کنند و آنها را که اهل نماز شب و روزه ی مستحبی و فرزندان آنها هم درس خوان و طالب علم بوده اند ، نفوذ کنند و بیشتر وقت شبانه روز آنها را، به جای عبادت و کسب علم، به دیدن فیلم های نامناسب با آهنگ های تند و زننده ی تلویزیون و ماهواره، صرف وقت بسیار در زینت کردن خود در جلوی آئینه، استفاده از پوشش های نامناسب و چادرهای متنوع و گاهاً تنگ در کوچه و خیابان، اختصاص دهند. حال که دشمن تا این حد پیش رفته ، بر یک طلبه ی واقعی ، واجب است که با این راه ها مقابله کند.^۱

بی توجهی نسبت به فرهنگ خودی، خود باختگی فرهنگی، عقب ماندگی علمی و صنعتی و عدم شناخت صحیح از دین و بی توجهی در عمل به آن دو می توانند از علایم و زمینه های بدحجابی در جامعه باشند که یک طلبه با بررسی این عوامل، می تواند راه های مقابله با آنها را شناخته و در این



زمینه از هیچ کوششی دریغ نکند.

امروزه یکی از وظایف مهم طلاب، شناخت دشمن و دشمنی‌های دوست مآبانه‌ی آنهاست تا به دام گمراهی نیفتند و با توسل به رهنمودهای ائمه و پیشوایان دین، راه را از بیراهه ببابند تا هرگز در عقیده‌ی دینی اسلام که بر اساس فطرت و منطق استوار است دچار تردید نشوند.^۱ دوری کردن از فرهنگ بیگانگان و اتکا به فرهنگ غنی اسلام، از سفارشات پیامبر ﷺ نیز می‌باشد، ایشان می‌فرمایند که خداوند متعال فرمود:

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ لَا تَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي وَلَا تَطْعَمُوا طَعَامَ أَعْدَائِي وَلَا تَسْلُكُوا مَسَالِكَ أَعْدَائِي فَتَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا هُمْ أَعْدَائِي﴾^۲

بگو به مؤمنین لباس دشمنان مرا نپوشید، غذای دشمنان مرا نخورید و راه و روش دشمنان مرا نروید که در آن صورت شما هم دشمنان من خواهید بود.

در این راستا، طلاب وظیفه‌ی بزرگی بر عهده دارند، ایشان باید تلاش کنند و با تحقیقات علمی و مطالعه‌ی متون اسلامی و مقایسه‌ی آن با سایر متون الحادی و عرفان‌های نوظهور، اسلام راستین و حجاب واقعی را، در قالب نوشتن مقالات تحقیقی- علمی، سخنرانی‌ها، برگزاری همایش‌ها و تشکیل

۱. عباس، رحیمی، جوان موفق، قم، انتشارات جمال، چاپ نهم، ۱۳۹۰، ص ۵۰.

۲. محمد بن علی، ابن بابویه، علل الشرایع، قم، کتابفروشی داوری، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۳۴۸.



میزگردهای علمی در حوزه و دانشگاه به جهانیان معرفی نمایند و تعلیم اسلامی را در سراسر گیتی گسترش دهند و از سوی دیگر، فضای فرهنگی جامعه را از طریق کسب معارف اسلامی و ترویج آن در برابر آسیب‌پذیری‌های فرهنگی دشمنان دین مصون نگاه داشته و آن را با نور علم و ایمان و حجاب منور گردانند.



فصل دوم:

آثار فردی و اجتماعی رعایت حجاب و عفاف طلبه

بسیاری از مردم فواید و آثار حجاب را نمی‌دانند یا در این زمینه قانع نشده‌اند. لذا بر طلاب، مبلغان، نویسندگان و دیگر نهادهای فرهنگی لازم است تا ورود شایسته‌ای در این عرصه داشته باشند و در برابر سیل بنیان کن بد حجابی، رسالت خود را انجام دهند.

حجاب و پوشش طلبه، در ابعاد مختلف، دارای آثار و فواید زیادی است که بعضی از مهم‌ترین فواید آن عبارت‌اند از:

آثار فردی رعایت حجاب و عفاف طلبه

درک لذت ایمان

چشیدن لذت ایمان در تمام عمر، بدون عفاف و پاکدامنی و حجاب درونی و بیرونی، غیر ممکن است. کسی که ایمان به ناظر بودن خداوند بر اعمالش دارد، هرگز تن به ناپاکی و بی‌عفتی نمی‌دهد و با ظاهری آراسته و با حجاب نزد خود و دیگران اعتبار می‌یابد.

علی علیه السلام فرمودند: « فَعَصَمَ السُّعْدَاءُ بِالْإِيمَانِ وَ خَذَلَ الْأَشْقِيَاءُ بِالْعِصْيَانِ »^۱

۱. محمد، محمدی ری شهری، میزان الحکمة، قم، دارالحديث، ۱۳۷۹، ج ۶،



خداوند سعادتمندان را به وسیله ایمان (از گناه) حفظ کرد و ظالمان را به خاطر عصیان و نافرمانی، ذلیل و خوار گرداند.

آرامش روحی و روانی طلبه

داشتن حجاب اتم و کامل طلبه، به نحوی که تمام بدن وی پوشیده گردد و حتی پوشش او بیشتر از مقداری که در عرف و اسلام گفته شده است، باشد؛ باعث ایجاد آرامش روحی طلبه و توانمند ساختن روح و نفس وی در برابر هوی و هوس‌های بیهوده می‌گردد. طلبه‌ای که حجاب خویش را رعایت می‌نماید و در جامعه حضور می‌یابد، چون از دید هوسرانان و بیمار دلان مصونیت پیدا می‌کند، احساس آرامش روانی بدست آورده و صحیح‌تر می‌تواند از توانایی‌های خود و امکانات خویش بهره ببرد.

حجاب طلبه و شخصیت بخشیدن به زن

«شخصیت» مجموعه افکار، عواطف، عادت‌ها و اخلاقیات یک انسان است که به تمایز وی از دیگران می‌انجامد^۱ به عبارت دیگر، مجموعه صفات و ویژگی‌های جسمی، روانی و رفتاری که هر انسان را از انسان‌های دیگر متمایز می‌سازد شخصیت نام دارد.^۲

۱. رک، فاطمه، کمالی، فصلنامه بانوان شیعه، قم، مؤسسه شیعه شناسی، شماره

۱۳۸۵، ۱۰، ص ۱۵۷.

۲. یوسف، کریمی، روان‌شناسی شخصیت، تهران، انتشارات ویرایش، ۱۳۹۰،

ص ۱۲۰.



علو شخصیت طلبه در این است که کمال همسری و کمال مادری و کمال اجتماعی را برای خود احراز کند. اسلام مخصوصاً تأکید کرده است که زن هر اندازه متین تر و باوقارتر و عفیف تر حرکت کند و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد بر احترامش افزوده می شود. طلبه با رعایت صحیح حجاب در جامعه، سبب افزایش شخصیت خود و زنان دیگر می شوند؛ چون حجاب نوعی احترام گذاشتن به زن و حفظ حرمت اوست.

آثار اجتماعی رعایت حجاب و عفاف طلبه

حجاب طلبه و انجام فعالیت های اجتماعی

هر فردی در برابر جامعه خود مسئول است، این مسئولیت عام است؛ یعنی هم شامل زنهای می شود و هم شامل مردها. پاره ای از مسئولیت های زنان به حجاب آنان بستگی دارد. طلبه ای که خود مظهر رعایت حجاب و عفاف است، اگر در جامعه حضور بیشتری داشته باشد و علی رغم داشتن حجاب بتواند از عهده ی مسئولیت های روزمره ی خویش برآید، می تواند خط بطلان به طرز تفکر عده ای که حجاب و حفظ عفت را مانع فعالیت های اجتماعی زنان می دانند، بکشد و این تفکر غرب را که می گوید حجاب مانع رشد و ترقی است، از بین ببرد.

حجاب طلبه و سلامت اخلاق جامعه

همواره باید هرچه به سلامت اخلاق خانواده لطمه می زند ریشه کن



شود و هرچه سلامت اخلاق جامعه را تضمین می کند تقویت گردد.^۱ زمانی که ستر و پوشش طلبه سقوط کند، زن را با فرهنگ و عقایدش بیگانه می کند، به گونه ای که طرز تفکر و فلسفه ی زندگی زن را از مکتب دینی اش خارج کرده و به فرهنگ بیگانه دعوت می کند.^۲

طلبه با پوشش شرعی خود، خانواده را استوار و پابرجا می سازد و بیهوده، افراد را تحریک نمی کند و هوس ها را برنمی انگیزاند و مرد ها را به مفسده نمی کشاند. طلبه با پذیرش حجاب اسلامی بزرگترین و ارزنده ترین خدمات را به خانواده ها و جوان ها و بالاخره جامعه عرضه می کند؛ زیرا اخلاق و پاکی و فضیلت را رونق و رواج می بخشد.

حجاب طلبه و استحکام خانواده

شک نیست که هرچه موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه زوجین گردد برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن باید حداکثر کوشش مبذول گردد و بالعکس هر چیزی که باعث سستی رابطه زوجین و دلسردی آنان شود زیانمند است و باید با آن مبارزه کرد. بنابراین طلبه ها و به تبع آنان؛ زنان با حجاب خود موجب تحکیم خانواده شخصی خود و دیگران می شوند؛ چرا که با حجابشان اطمینان و

۱. فاطمه، کمالی، فصلنامه بانوان شیعه، ص ۱۵۶.

۲. علی، قائمی، حیات زن در اندیشه اسلامی، ج ۱، تهران، امیری، ۱۳۷۳.



اعتماد شوهرشان را به پاکی خود جلب می کنند و باعث استحکام خانواده می گردند . اما نقش آنان در تحکیم خانواده های دیگر بدین لحاظ است که مردان از تمتعات خارج از محدوده زناشویی محروم می شوند و طبعاً به همسران خود بیشتر توجه می کنند، و برعکس، فقدان حجاب باعث انهدام نهاد خانواده است. یکی از نویسندگان، تأثیر برهنگی را در اضمحلال و خشکیدن درخت تنومند خانواده، این گونه بیان کرده است:

در جامعه ای که برهنگی بر آن حاکم است، هر زن و مردی، همواره در حال مقایسه است؛ مقایسه ای آنچه دارد با آنچه ندارد؛ و آنچه ریشه ی خانواده را می سوزاند این است که این مقایسه آتش هوس را در زن و شوهر و مخصوصاً در وجود شوهر دامن می زند. زنی که بیست یا سی سال در کنار شوهر خود زندگی کرده و با مشکلات زندگی جنگیده و در غم و شادی او شریک بوده است، پیداست که اندک اندک بهار چهره اش شکفتگی خود را از دست می دهد و روی در خزان می گذارد. در چنین حالی که سخت محتاج عشق و مهربانی و وفاداری همسر خویش است، ناگهان زن جوان تری از راه می رسد و در کوچه و بازار، اداره و مدرسه، با پوشش نامناسب خود، به همسر او فرصت مقایسه ای می دهد؛ و این مقدمه ای می شود برای ویرانی اساس خانواده و بر باد رفتن امید زنی که جوانی خود را نیز بر باد داده است؛ و همه ی خواهران جوان لابد می دانند که هیچ جوانی نیست که به میانسالی و پیری نرسد و لابد می دانند که اگر امروز آنان جوان و با طراوت اند در فردای بی طراوتی آنان، باز هم جوانانی هستند که بتوانند برای خانواده ی فردای آنها،



همان خطری را ایجاد کنند که خود آنان امروز برای خانواده‌ها ایجاد می‌کنند.^۱

حجاب طلبه و اقتصاد پویا

صرفه جویی و قناعت طلاب در زندگی، بسیارمورد توجه بانوان قرار می‌گیرد، منظور از صرفه‌جویی: « بهره‌مندی و استفاده‌ی درست، بجا و به اندازه‌ی امکانات و منابع و نعمت‌های خدادادی و پرهیز از اتلاف و هدر دادن است.»^۲

استفاده از حجاب و پوشش، به ویژه در شکل چادر مشکی و به تبعیت از طلاب با حجاب، به دلیل سادگی و ایجاد یکدستی در پوشش بانوان در بیرون منزل، می‌تواند از بُعد اقتصادی تأثیر مثبت در کاهش تقاضاهای مدپرستی بانوان داشته باشد؛ البته به شرط این‌که خود چادر مشکی دست‌خوش این تقاضاها نگردد. متأسفانه بعضاً مظاهر مدپرستی در چادرهای مشکی نیز مشاهده می‌گردد، به گونه‌ای که برخی از بانوان به جای استفاده از چادرهای مشکی متین و باوقار، به چادرهای مشکی، توری، نازک و دارای طرح‌های جلف و سبک که با هدف و فلسفه حجاب و پوشش تناسبی ندارند

۱. غلامعلی، حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران: انتشارات

سروش، چاپ ششم. ۱۳۷۴. ص ۶۹-۷۰.

۲. ابو الفضل، طریقه‌دار، کار و تولید در آموزه‌های وحیانی، قم، مؤسسه

انتشارات امام عصر ۷، ۱۳۹۱، ص ۱۴۷.



روی می آورند.

اگر طلبه و به تبع آن زنان در محیط کار پوشیده و با حجاب باشند، نظرها را کمتر به طرف خود جلب می کنند و چنین چشم پوشی که در اثر حجاب کامل به وجود می آید، حواس و فکر مردان نامحرم را در هنگام فعالیت و در محیط کار، بیشتر متوجه وظیفه شان می کند؛ در نتیجه، تولید بیشتری به وجود می آید و مشکلات اقتصادی جامعه هم رفع می گردد.

یکی از دانشجویان محجبه درباره ی رواج فرهنگ مدگرایی در خاطرات قبل از انقلاب خود گفته است: یادم می آید آن وقت ها که حجاب نداشتم، اگر دو روز پشت سر هم قرار بود که به خانه ی کسی بروم، لباسی را که امروز پوشیده بودم، حاضر نمی شدم فردا بیوشم! احساس می کردم مسخره است و سعی داشتم حتی اگر شده، لباس دیگران را به عاریه بگیرم و بیوشم، تا من هم با لباس جدیدی رفته باشم. این کارها واقعاً رفاه حال و راحتی را از خانم ها سلب کرده بود.^۱

^۱. رک: احمد، صبوری اردوباری، آیین بهزیستی اسلام، ج ۳، ص ۲۲۲.



فهرست منابع و مآخذ

- *قرآن کریم، ترجمه‌ی ناصر مکارم شیرازی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۳.
- *نهج البلاغه، محمد رضی، ترجمه‌ی محمد دشتی، قم: الهادی، ۱۳۸۲.
- ۱- آلموند، گابریل و دیگران، چهار چوب نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۷.
- ۲- آمدی، عبد الواحد، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
- ۳- ابراهیمی، عبد الجواد، تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنرانی‌های محمدتقی مصباح یزدی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹.
- ۴- ابن بابویه، شیخ صدوق، الخصال، ترجمه: محمدباقر کمره‌ای، تهران: اسلامی، ۱۳۶۵.
- ۵-،، الامالی، مؤسسه البعثة، مرکز الطباعة و النشر، ۱۳۷۵ش.
- ۶-،، علل الشرایع، قم، کتابفروشی داوری، ۱۳۸۵ش
- ۷- اکبری، محمد رضا، تحلیلی نو و عملی از حجاب عصر حاضر، تهران: پیام عترت، ۱۳۷۶.
- ۸- الهامی نیا، علی اصغر و غلام عباس طاهر زاده، اخلاق عبادی، قم: افق فردا، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
- ۹- برخوردار فرید، شاکر، آداب الطلاب، تهران: لاهوت، ۱۳۸۵.
- ۱۰- حائری تهرانی، مهدی، شخصیت انسان از نظر قرآن و عترت، قم: انتشارات بنیاد فرهنگی امام مهدی (عج)، ۱۳۸۷.
- ۱۱- حداد عادل، غلامعلی، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران: انتشارات سروش، چاپ ششم، ۱۳۷۴.



- ۱۲- حکیمی ، محمدرضا، هویت صنفی روحانی، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.
- ۱۳- خادمی کوشا، محمدعلی، جوان درپرتو اهل بیت، قم: بوستان کتاب قم، ۱۳۸۰.
- ۱۴- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه حسین خداپرست، قم: دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۹۰.
- ۱۵-،، مفردات فی غریب القرآن، دمشق: دارالقلم، ۱۹۹۶م.
- ۱۶- رحمانی همدانی، احمد، فاطمه زهرا بهجت قلب مصطفی ﷺ، تهران: کوکب، ۱۳۶۹.
- ۱۷- رحیمی، عباس، قم: انتشارات جمال، چاپ نهم، ۱۳۹۰.
- ۱۸- شجاعی، محمد، در و صدف، تهران: انتشارات محبی، بهار ۱۳۷۸.
- ۱۹- شریفی، احمد حسین، آئین زندگی، قم: نشر معارف، ۱۳۸۵.
- ۲۰- شکری چوبی، روح الله، اخلاق جنسی و نقش آن در زندگی بشر، قم: نشر سلسله، ۱۳۸۵.
- ۲۱- شهیدانی، زین الدین بن علی، منیه المرید، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ق.
- ۲۲- صبوری اردوباری، احمد، آیین بهزیستی اسلام، تهران: دفتر نشر تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، تابستان ۱۳۶۷.
- ۲۳- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی، بی جا: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۷.
- ۲۴- طبرسی، رضی الدین حسن این فضل، مکارم الاخلاق، بیروت: اعلمی، ۱۳۹۲ق.
- ۲۵- طریقه دار، ابوالفضل، کار و تولید در آموزه های وحیانی، قم: مؤسسه انتشاراتی امام عصر (عج) الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۹۱.
- ۲۶- طوسی، محمد بن حسن، (شیخ مفید)، الامالی، تحقیق مؤسسه البعثة، بیروت: دارالتقافة، ۱۳۷۲.
- ۲۷- عالم زاده نوری، محمد، درآمدی بر زی طلبگی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۸.
- ۲۸-،، راه و رسم طلبگی، قم: ولاء منتظر، ۱۳۸۷.



- ۲۹-،،، طلبه از نظر عرف، مجله‌ی پگاه حوزه، ۱۳۸۷، شماره ۵۵.
- ۳۰- عرفانی، حسین، هفته نامه حدیث زندگی، تهران: سال پنجم، ش ۶۰، ۱۳۸۸.
- ۳۱- علم الهدی، منصور، در آمدی برشناخت حوزه و روحانیت، قم: انتشارات نصاب، ۱۳۷۹.
- ۳۲- فتاحی زاده، فتحیه، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، ج ۳، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹.
- ۳۳- فلسفی، محمدتقی، جوان، تهران: نشر معارف اسلامی، ۱۳۴۴.
- ۳۴- قائمی، علی، حیات زن در اندیشه‌ی اسلامی، تهران: امیری، ۱۳۷۳.
- ۳۵- قرائتی، محسن، پوشش زن در اسلام، تهران: انتشارات صدا، ۱۳۷۸.
- ۳۶-،،، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸.
- ۳۷- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، قم: دارالکتب الاسلامیه، بهار ۱۳۷۵.
- ۳۸- کتابچی، محسن، آیین زندگی از دیدگاه امام رضا ۷، مشهد: نشر الف، ۱۳۸۱.
- ۳۹- کریمی، یوسف، روانشناسی شخصیت، تهران: انتشارات ویرایش، ۱۳۹۰.
- ۴۰- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ترجمه جواد مصطفوی، تهران: وفا، ۱۳۸۲.
- ۴۱-،،، اصول کافی، مترجم: علی اصغر خسروی شبستری، بیروت: دارالصعب، ۱۳۶۱.
- ۴۲- کمالی، فاطمه، فصلنامه بانوان شیعه، قم: مؤسسه شیعه شناسی، ۱۳۸۵، شماره ۱۰.
- ۴۳- لیشی واسطی، علی محمد، عیون الحکم و المواعظ، مصحح: حسین حسینی بیرجندی، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۶.
- ۴۴- المتقی الهندی، علاء الدین علی، کنز العمال (فی سنن الاقوال و الافعال)، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.
- ۴۵- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳هـ.ق.
- ۴۶- محدثی، جواد، اخلاق معاشرت، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
- ۴۷- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۹.



- ۴۸- مصباح یزدی، محمد تقی، به سوی خودسازی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰.
- ۴۹-،، خودشناسی برای خودسازی، قم: مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲.
- ۵۰- مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا، ...،
- ۵۱-،، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران: چاپ صدرا، ۱۳۷۳.
- ۵۲-،، مسأله حجاب، تهران: صدرا، ۱۳۸۶.
- ۵۳- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران: نشر ادنا، چاپ سوم، ۱۳۸۴.
- ۵۴- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، قم: دارالکتب اسلامی، ۱۳۶۷
- ۵۵- موسوی خمینی، روح الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۶۸.
- ۵۶-،، صحیفه‌ی نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰.
- ۵۷-،، چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۶۸.
- ۵۸- مهدی زاده، حسین، حجاب شناسی، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه، زمستان ۱۳۸۱.
- ۵۹- نراقی، احمد، معراج السعاده، قم: انتشارات هجرت، چاپ چهارم، ۱۳۷۸.
- ۶۰- نراقی، مهدی، گزیده جامع السعادات، ترجمه دکتر مجتبی، تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۸۱.
- ۶۱- نظامی، علی، گلزار عفت، همدان: میهن نو، ۱۳۸۵ ش.
- ۶۲- نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: موسسه اهل البيت الاحیاء التراث، بی تا.
- ۶۳- وحیدی، محمد، احکام خانواده ۱، تهران: مرکز نشر هاجر، تابستان ۱۳۸۵.